



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش پرورش
تیم مصلحت است

فرهنگ اسلامی

و
تعلیمات دینی

دوم دبستان

۱۳۶۰



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرہنگ اسلامی
و
تعلیمات دینی

دوم دبستان

۱۳۶۰

به نام خدا

آموزگار و مربی متعهد و گرامی!

دروود بر شما که شغل انسان‌ساز و افتخارآفرین و ارزشمندی دارید.

خدا را سپاس که به لطف و یاری او و به رهبری مرجع بزرگ امام خمینی و به همت امت مسلمان، انقلاب اسلامی ما به ثمر رسید و در پی آن انقلاب فرهنگی آغاز شد و پیام امام در رسید که «تربیت و تزکیه مقدم بر تعلیم است» و اینک برای تحقق هر چه بیشتر انقلاب فرهنگی و پیام امام، لازم است به طور فشرده نکات زیر را یادآور شویم:

۱ - هدف از تألیف این کتاب تنها انتقال یک سلسله مفاهیم و اصطلاحات دینی به ذهن دانش‌آموزان عزیز نیست. هدف فقط این نیست که درسها را خوب بخوانند و خوب پاسخ دهند. بلکه هدف اساسی پرورش صحیح روح و روان دانش‌آموزان و تکامل بخشیدن به زندگی آنهاست. هدف این نیست که مطالب را طوطی‌وار از بر کنند و پاسخ دهند؛ بلکه هدف این است که عقاید صحیح دینی با ذاتشان در آمیزد و از عمق جانشان بجوشد. به طوری که از دستبرد شیطان صفتان در امان بمانند. هدف این نبوده که فقط اخلاق و رفتار نیک را از بد بشناسند و خوب پاسخ دهند؛ بلکه هدف اصلی این بوده که اخلاق نیک در باطن وجودشان نفوذ کند و با صفات شایسته انسانی پرورش یابند.

هدف این بوده که از کودکان امروز، مردان و زنان شایسته و متعهد و درستکار و خیرخواه و مهربان و بلند همت و دانشمند و خدادوست آینده را بسازیم، تا بادل‌های لبریز از ایمان به پاخیزند و آیین حیاتبخش اسلام و انقلاب اسلامی را در جهان گسترش دهند. کشور بزرگ اسلام را آباد سازند. به یاری ستم‌دیدگان بشتابند و با مستکبران مبارزه کنند و به خلقهای محروم و مستضعف جهان تحرک بخشند.

ولی به خوبی آگاهیم که کتاب تنها، نمی‌تواند این هدف بزرگ را تأمین کند، لذا از همان آغاز تمام امیدمان به شما مربیان، آموزگاران متعهد و وظیفه‌شناس بوده و هست. این شما هستید که با گفتار و رفتار نیکتان می‌توانید این امانتهای گرانمایه الهی یعنی کودکان را، به بهترین وجه پرورش دهید و انقلاب فرهنگی را هر چه بهتر به ثمر رسانید. این شما هستید که می‌توانید به پاس خون هزاران شهید و جانیاز، برای رضای خدا به پاخیزید و اعتقادات گرانقدر اسلامی را در روح و روان کودکان استوار سازید و از کودکان امروز شایسته‌ترین، دلیرترین و درستکارترین انسانهای فردا را پرورش دهید.

آری چنین مسئولیت بزرگی بر دوش شما نهاده شده و امت به‌پا خاسته ایران و ارواح پاک هزاران

شهادت از شما چنین انتظاری دارند و اگر کسی در این باره کوچکترین کوتاهی روا دارد - که هرگز روا نمی‌دارد - در پیشگاه خدا و بندگان او مسئول خواهد بود.

۲ - دانش‌آموزان را به خواندن و باز خواندن درسها و خوب نوشتن آنها تشویق کنید. سعی کنید دانش‌آموزان مطالب را خوب بفهمند و در عمق جانشان نفوذ کند. آنان را تشویق کنید تا درسها را با یکدیگر مباحثه کنند و از همدیگر پرسند و پاسخ دهند.

۳ - به هنگام تدریس تنها شما متکلم نباشید بلکه علاوه بر این که با بیانات و توضیحات شیرین و صریح خود مطالب را به خوبی روشن می‌کنید، دانش‌آموزان را نیز در بیان درس و نتیجه‌گیری به کمک بخواهید و مخصوصاً نتیجه‌گیری را بر عهده خود دانش‌آموزان بگذارید و آنان را یاری کنید تا پاسخ صحیح را خود بیابند. کودکان بر فطرت توحید و خداپرستی و یا نهاد پاک آفریده شده‌اند، شما فطرتشان را بیدار سازید و روانشان را در جهت صراط مستقیم خداپرستی و توحید قرار دهید.

۴ - شما در نظر دانش‌آموزان و اولیای آنان از موقعیت ویژه‌ای برخوردارید. دانش‌آموزان شما را انسان برتر و شخصیت ممتاز می‌شمارند پیوسته به اخلاق و گفتار و رفتار شما می‌نگرند، از شما تقلید می‌کنند و درس زندگی می‌گیرند. شما با اخلاق و رفتار آنان برای آنان الگوی کمال و انسانیت‌باشید. با کردار و گفتار آنان به آنان درس مهربانی، خیرخواهی، گذشت، انضباط، عدالتخواهی، آزادگی، فداکاری، شجاعت، وظیفه‌شناسی، کار و کوشش و هدف‌داری بیاموزید. و مخصوصاً به این نکته توجه کنید که کودکان، دانش و باهوشند و به کردار شما بیش از گفتار آنان توجه دارند و به همین جهت شما مسئولیت بسیار بزرگی بر عهده دارید.

۵ - در تهیه این کتابها از نوشته‌ها و راهنمایهای دانشمندان بسیاری بهره بردیم و مخصوصاً از کتابهای تعلیمات دینی سابق رهنمود گرفتیم و استفاده کردیم، بدین وسیله یاریها و زحمات همه را قدر می‌نهم و به ویژه از نویسندگان کتابهای تعلیمات دینی سابق سپاسگزاری می‌نماییم و یادآوری می‌کنیم که پرونده تألیف و تکمیل این کتاب پیوسته مفتوح است و نظرات شما و اولیاء گرامی دانش‌آموزان، ما را در این مهم یاری خواهد کرد. از شما صمیمانه درخواست می‌کنیم که نظرها و پیشنهادهای مفید خود را به «دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش» ارسال دارید.

با سپاس و تشکر فراوان - خدا یار و رهنمای شما



فهرست

| | | | |
|----|-------------------------|----|-------------------------------|
| ۵۵ | دوازده امام | ۲ | به نام خدای بخشندهٔ مهربان |
| ۵۶ | کودکان را گرامی بدارید | ۴ | آیا این حیوانات را می‌شناسید؟ |
| ۵۹ | مهمانهای حضرت امام حسن | ۶ | آیا ماهی دیده‌اید؟ |
| ۶۱ | با حیوانات مهربان باشیم | ۸ | درس خداشناسی |
| ۶۳ | کودک نیکوکار | ۱۶ | خدای مهربان |
| ۶۶ | کودک بی‌آزار | ۱۸ | خدای خوب |
| ۶۸ | پاکیزه باشیم | ۲۰ | از خدا تشکر کن |
| ۷۱ | نماز بخوانیم | ۲۴ | نعمتهای خدا |
| ۷۳ | وضو | ۳۰ | جهان آخرت |
| ۷۶ | آداب غذا خوردن | ۳۲ | پیامبران خدا |
| ۷۸ | مقام معلم | ۳۵ | آخرین پیامبر خدا |
| ۸۰ | یک دستور بهداشتی مهم | ۳۷ | دین چیست؟ |
| ۸۲ | روز جدایی | ۳۹ | پیامبران بزرگ |
| | | ۴۱ | کودکی حضرت محمد |
| | | ۴۳ | با کودکان مهربان باشید |
| | | ۴۶ | دین اسلام |
| | | ۴۸ | باغی که سوخت |
| | | ۵۳ | آیا می‌دانی امام کیست؟ |



به نام خدای بخشندهٔ مهربان

ای خدای ستاره‌های قشنگ
 ای که ناهید* را تو آوردی
 این همه کوه و تپه و دریا
 بال زیبا برای پروانه
 شادی و بازی و توانایی
 برف و باران و گرمی و سردی
 آنچه را از تو خواستم دادی
 ای خدای جهان رنگارنگ
 ماه و خورشید را تو آوردی
 این درختان پرگل و زیبا
 از برای پرندگان لانه
 چشم ما را برای بینایی
 همه را ای خدا تو آوردی
 دل ما را تو پرکن از شادی

شعر از موسوی گرمارودی

تمرین

- ۱ - این شعر را حفظ کنید.
 - ۲ - در کلاس باهم بخوانید.
- * ناهید. نام یکی از ستاره‌های آسمان است.





آیا این حیوانات را می‌شناسید؟

به شکل این حیوانات نگاه کنید.

نامشان را می‌دانید؟

کدام را دیده‌اید؟

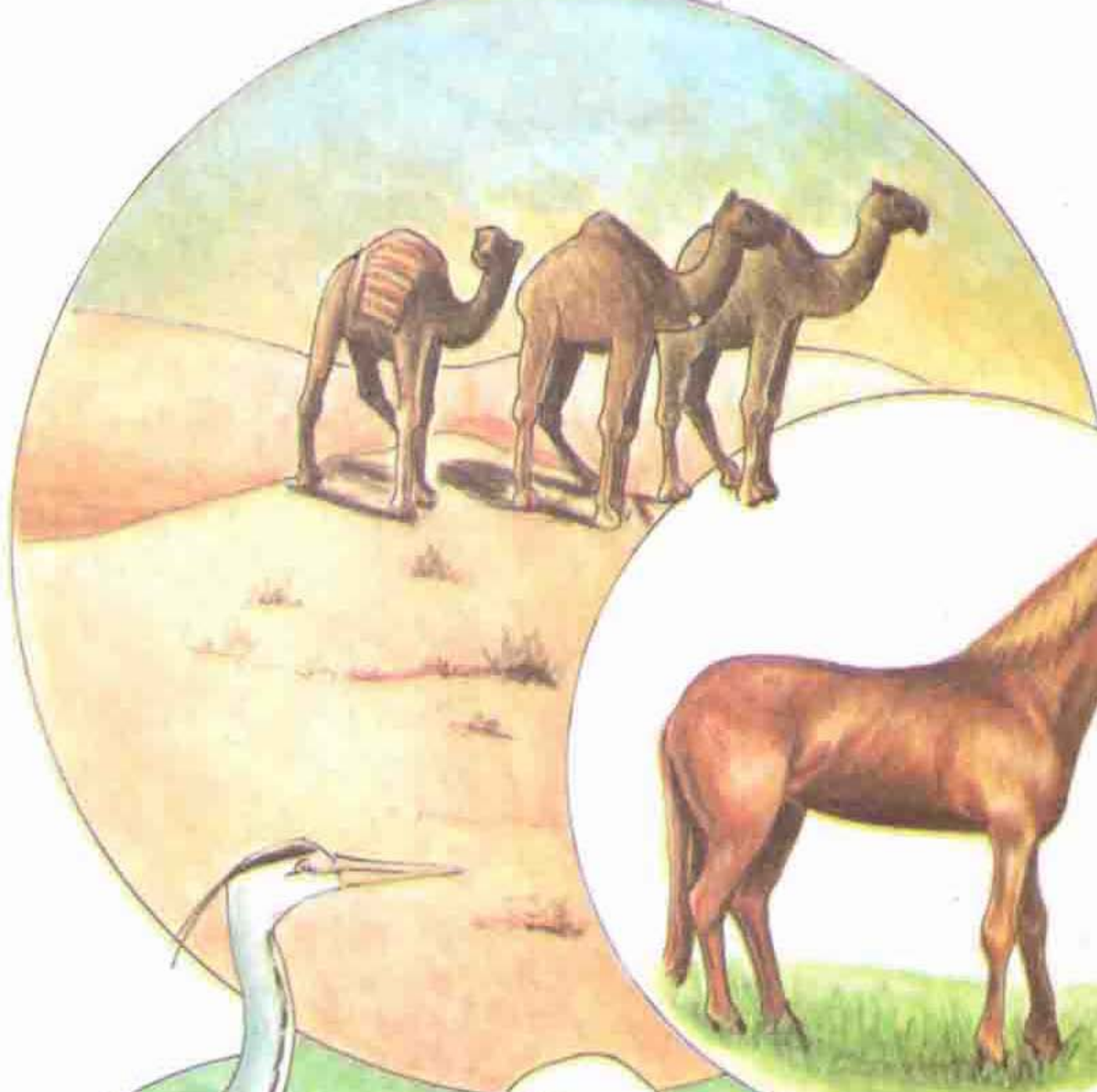
در کجا زندگی می‌کنند؟

کدام زیباترند؟

کدام را بیشتر دوست دارید؟

چه کسی آنها را آفریده است؟





آیا ماهی دیده‌اید؟

آیا شما در خانه ماهی دارید؟

آیا ماهی را دوست دارید؟

ماهی در کجا زندگی می‌کند؟ چگونه نفس می‌کشد؟

آیا می‌دانید ماهی با چه وسیله‌ای در آب شنا می‌کند؟

بینید این ماهی چه باله‌های قشنگی دارد! ماهی با باله‌های خود در

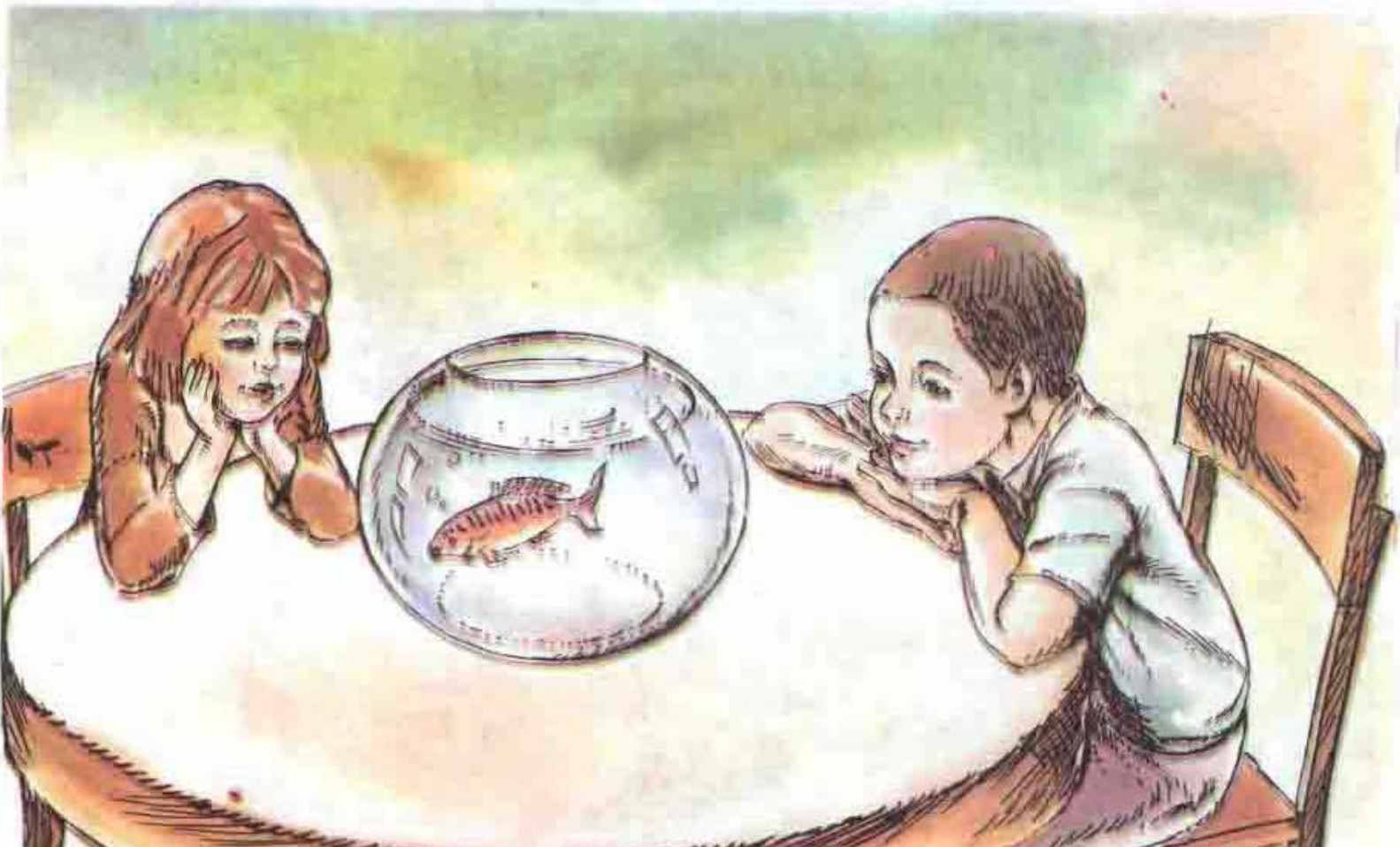
آب شنا می‌کند.

آیا می‌دانید چه کسی برایش باله درست کرده است؟

آیا خودش این باله‌های زیبا را، برای خودش درست کرده است؟

آیا شما به او باله داده‌اید؟

نه...! شما این باله‌های زیبا را برای او درست نکرده‌اید. خودش



هم که نمی‌تواند برای خود باله درست کند. پس چه کسی به او باله داده است؟ آیا می‌دانید؟

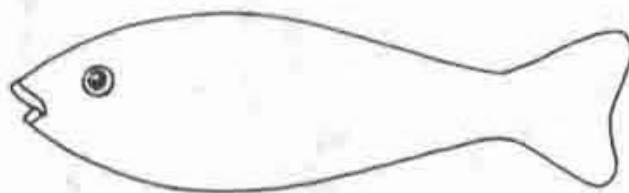
بله! خدای مهربان به این ماهی باله داده است تا بتواند در آب شنا کند.

تمرین

این جمله‌ها را کامل کنید:

- ۱ - ماهی با چه وسیله‌ای در آب _____؟
- ۲ - این ماهی چه _____ دارد؟
- ۳ - ماهی با باله‌های خود در آب _____؟
- ۴ - آیا خودش این _____ درست کرده است؟
- ۵ - خودش که نمی‌تواند _____ درست کند؟
- ۶ - خدای مهربان به این ماهی _____ داده است؟

* برای این ماهی باله بکشید.



چه کسی برای این ماهی باله کشیده است؟

درس خداشناسی

داوود و سعید با پدرشان به باغی رفتند. باغ بسیار زیبایی بود. درختان سرسبز و بلند و گل‌های رنگارنگ و قشنگی داشت. از وسط باغ نهر بزرگی می‌گذشت، که چندین مرغابی روی آن شنا می‌کردند. مرغابیها به این طرف و آن طرف می‌رفتند و گاهی سرشان را زیر آب





می بردند و چیزی می گرفتند و می خوردند. داوود به سعید گفت: سعید جان! بین چه راحت شنا می کنند. تو هم می توانی مثل آنها شنا کنی؟ نگاه کن آن مرغابی از آب بیرون آمد و بالهایش را تکان داد و ایستاد! پرهایش را بین. مثل این که اصلاً در آب نبوده است. راستی چرا پرهای مرغابی آب را به خود نمی گیرند؟ آن مرغابی را بین، پرواز کرد و رفت. اگر پرهایش خیس بود نمی توانست پرواز کند.

سعید گفت: راست گفתי، مثل این که پرهای مرغابی خیس نمی شوند. ولی من هم نمی دانم چرا؟ خوب است از پدر پرسیم. داوود و سعید دویدند تا به پدر رسیدند، به پدر گفتند: پدر جان! بیا مرغابیها را بین. در آب شنا می کنند اما پرهایشان تر نمی شوند. چرا پرهای گنجشک و مرغ خانگی تر می شوند؟ اما پرهای مرغابیها تر نمی شوند؟

همه با هم کنار نهر آمدند. پدر گفت: آفرین بر شما که از حالا به فکر فهمیدن هستید. همیشه باید درباره چیزهایی که می بینید، فکر کنید و هر چه را نمی دانید از کسی که می داند پرسید. پسرهای خوب من! چون پرهای مرغابی چرب هستند آب را به خود نمی گیرند. اگر چرب نبودند در آب خیس و سنگین می شدند و مرغابی نمی توانست در آب شنا کند و در هوا پرواز نماید.

سعید گفت: پدر جان! چه کسی پرهای مرغابی را چرب کرده

است؟

پدر جواب داد: پسرهای خوب من! خدای دانا و مهربان مرغابیها را طوری آفریده است که پرهایشان همیشه چرب باشند. خدا که همه چیز را آفریده است به فکر مرغابیها هم بوده است. تا بتوانند به راحتی در آب شنا کنند و در هوا پرواز نمایند. اگر پرهایشان چرب نبودند چگونه شنا می کردند؟ چگونه پرواز می کردند؟

پرسش و تمرین

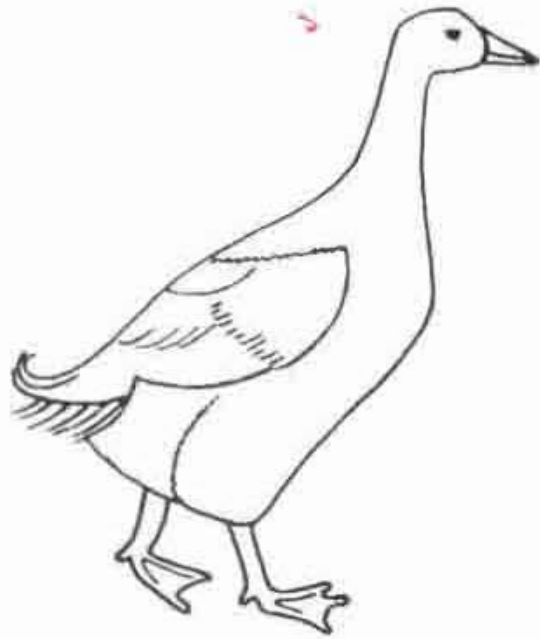
- ۱ - وقتی آن مرغابی از آب بیرون آمد، داوود به برادرش چه گفت؟ از او چه پرسید؟
- ۲ - سعید به برادرش چه جواب داد؟
- ۳ - از پدرشان چه پرسیدند؟
- ۴ - پدر به آنها چه گفت؟
- ۵ - وقتی چیزی را نمی دانید چه می کنید؟

این جمله ها را کامل کنید:

- ۱ - پرهایش را ببین! مثل این که اصلاً _____ نبوده است.
- ۲ - راستی چرا پرهای مرغابی _____ نمی گیرد؟
- ۳ - آفرین بر شما که از حالا به فکر _____ هستید.
- ۴ - خدای دانا و مهربان _____ را آفریده است.

- ۵ - اگر پرهایشان چرب نبود _____ می کردند؟
۶ - ما درباره چیزهایی که می بینیم _____ می کنیم.

این مرغابی را رنگ کنید:



چه کسی این مرغابی را رنگ کرده است؟



آیا این کودک می‌تواند ببیند؟ چرا نمی‌تواند؟
ما اگر چشم نداشتیم چه می‌کردیم؟
آیا می‌توانستیم ببینیم، بدویم و بازی کنیم؟

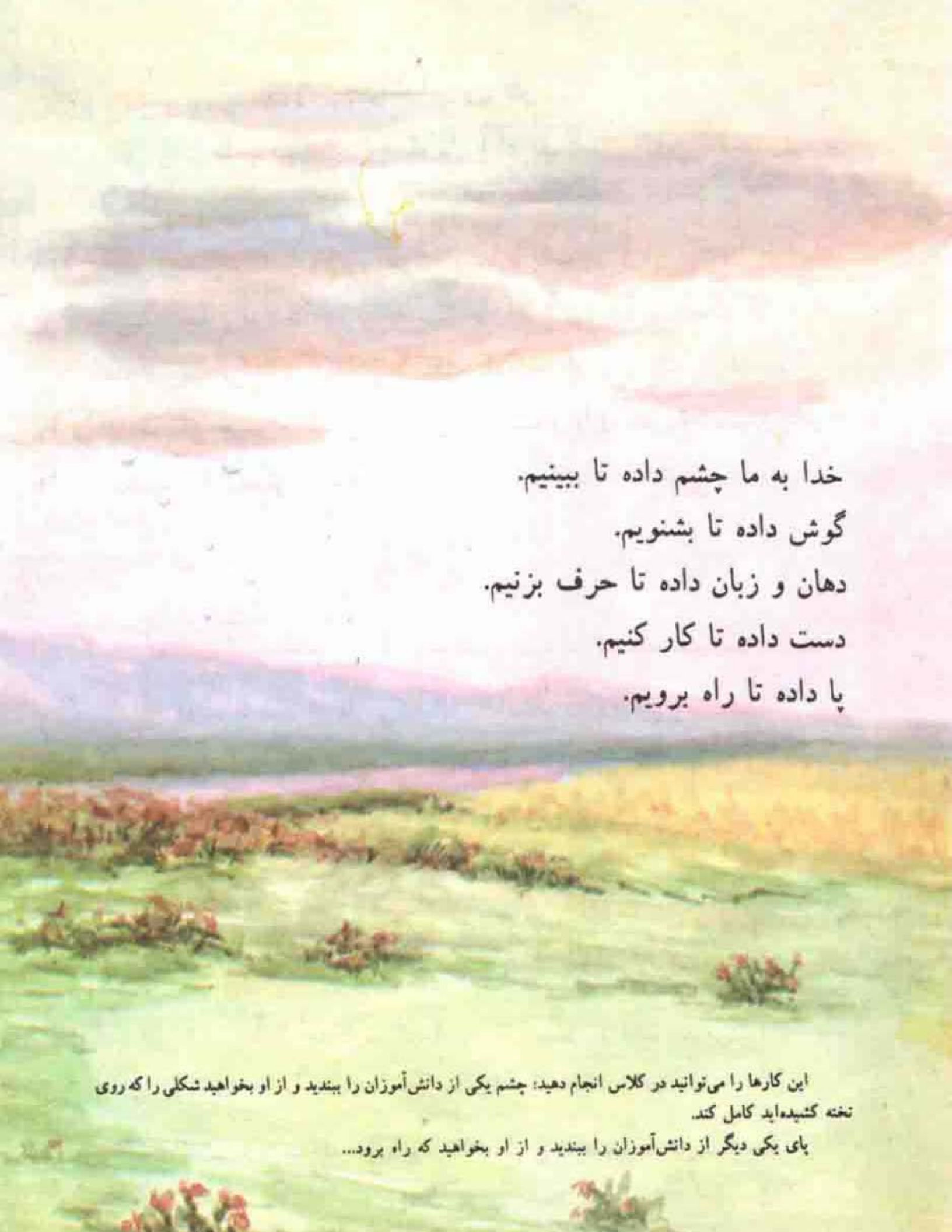


کدام یک از این کودکان نمی تواند بدود؟
چرا نمی تواند؟
آیا می تواند بازی کند؟
ما اگر پا نداشتیم چه می کردیم؟
آیا می توانستیم راه برویم، بدویم و بازی
کنیم؟



کدام یک از این کودکان نمی تواند توپ را بردارد؟
آیا او می تواند غذا بخورد؟ چرا نمی تواند؟
ما اگر دست نداشتیم چه می کردیم؟
چه کسی به ما چشم و گوش و دست و پا
داده است؟





خدا به ما چشم داده تا ببینیم.
گوش داده تا بشنویم.
دهان و زبان داده تا حرف بزنیم.
دست داده تا کار کنیم.
پا داده تا راه برویم.

این کارها را می‌توانید در کلاس انجام دهید: چشم یکی از دانش‌آموزان را ببندید و از او بخواهید شکلی را که روی
نخته کشیده‌اید کامل کند.

پای یکی دیگر از دانش‌آموزان را ببندید و از او بخواهید که راه برود...

خدای مهربان

خدا ما را دوست دارد که ما را آفریده است و این نعمتها را به ما داده است.

چشم داده تا ببینیم. گوش داده تا بشنویم. زبان داده تا حرفهای خوب بزنیم و مزه غذاها را بچشیم. پا داده تا راه برویم. دست داده تا کار کنیم و به دیگران کمک کنیم. عقل داده تا خوب و بد را بفهمیم.

اگر چشم و گوش و زبان و دست و پا و عقل نداشتیم، چگونه می توانستیم زندگی کنیم؟

پرسشها:



- ۱ - با چشم چه کار می کنیم؟ اگر چشم نداشتیم چه می شد؟
- ۲ - با گوش چه کار می کنیم؟ اگر گوش نداشتیم چه می شد؟
- ۳ - با زبان چه کار می کنیم؟ اگر زبان نداشتیم چه می شد؟
- ۴ - با دست چه کار می کنیم؟ اگر دست نداشتیم چه می شد؟
- ۵ - با پا چه کار می کنیم؟ اگر پا نداشتیم چه می شد؟

۶ - با عقل چه کار می‌کنیم؟ اگر عقل نداشتیم چه می‌شد؟

۷ - چه کسی این نعمتها را به ما داده است؟

۸ - آیا خدا ما را دوست می‌دارد؟

۹ - از کجا می‌دانید که خدا، ما را دوست دارد؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:



-
- ۱ - خدا ما را _____ دارد که ما را _____ است.
۲ - زبان داده تا _____ بزنیم و مزه غذاها را بچشیم.
۳ - دست داده تا _____ و به‌دیگران _____ نمایم.
۴ - عقل داده تا _____ و _____ را بفهمیم.

خدای خوب

خدای خوب و مهربان داده به ما گوش و زبان
بخشیده ما را دل و جان چشم و سر و دست و دهان
او داده ما را عقل و هوش او داده ما را آب و نان
از لطف و نعمتهای او ما زنده ایم و پرتوان

تمرین

- ۱ - این شعر را حفظ کنید.
- ۲ - در کلاس با هم بخوانید.
- ۳ - یک مرتبه از روی شعر بنویسید.





از خدا تشکر کن

عموی من در دهکدهٔ تقی آباد زندگی می‌کند. این دهکدهٔ زیبا در اطراف دماوند پشت کوهها واقع شده است. یک فرسخ از جادهٔ اصلی دور است. پدر گفت: برای دیدار عمو و هواخوری به تقی آباد می‌رویم. ما خوشحال شدیم و از پدر تشکر کردیم. یک روز صبح زود من و خواهر و برادرم به اتفاق پدر و مادر سوار اتومبیل شدیم و به سوی دهکده حرکت کردیم. مقداری که راه رفتیم پدر گفت: باید این جا پیاده شویم. از این جا تا تقی آباد یک فرسخ راه است که باید پیاده برویم.

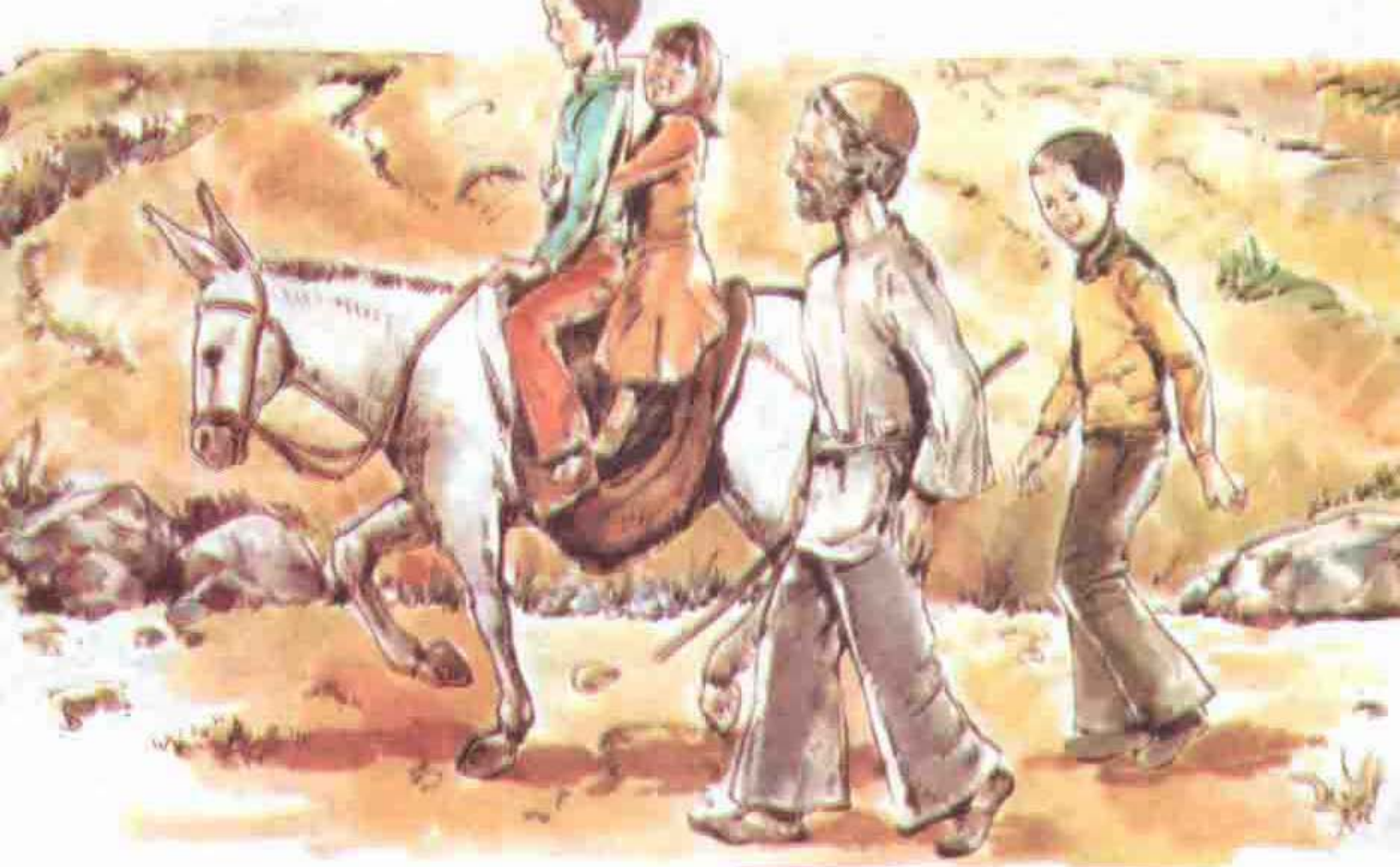
پیاده به راه افتادیم. من و خواهر و برادرم جلوتر می‌دویدیم که زودتر به منزل عمو برسیم. مدتی راه رفتیم ولی به تقی آباد نرسیدیم.





ایستادیم تا پدر و مادر برسند ولی هر چه ایستادیم آنها را ندیدیم. راه را گم کرده بودیم. هر چه این طرف و آن طرف دویدیم تقی آباد پیدا نبود. از شدت خستگی و تشنگی بی حال و ناتوان شده بودیم، دیگر نمی توانستیم راه برویم. خسته و تشنه و گرسنه روی زمین افتادیم. گریه می کردیم و از گرسنگی و تشنگی نزدیک بود بمیریم. در همان حال از خدا کمک خواستیم و دعا کردیم.

پیرمردی که سوار الاغ بود از پشت تپه پیدا شد و نزد ما آمد. از الاغ پیاده شد، از کوزه آبی که همراه داشت به ما آب داد. راستی چه آب گوارایی بود، به حال آمدیم و جان گرفتیم. پیرمرد نیکوکار سفره اش را باز کرد، نان و پنیر داشت. مقداری نان و پنیر خوردیم نیرو و توان پیدا کردیم.



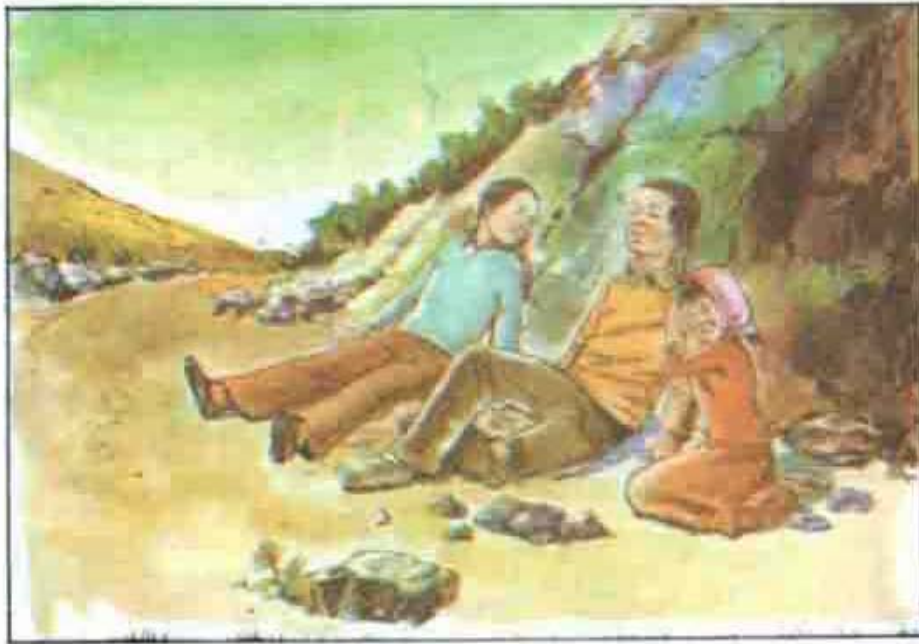
چه نان و پنیر خوشمزه‌ای بود. پیرمرد ما را دلداری داد. آب و غذا به ما نیروی تازه‌ای داد. دیگر می‌توانستیم راه برویم و حرف بزنیم. در آن جا بود که من ارزش آب و غذا را کاملاً فهمیدم. از آن پیرمرد نیکوکار و مهربان تشکر کردیم.

پیرمرد گفت: فرزندانم! از خدا تشکر کنید که آب و غذا را برای ما آفریده است. اگر آب و غذا نبود، چگونه می‌توانستیم زنده بمانیم؟ چگونه می‌توانستیم راه برویم و کار کنیم؟ باید از خدا تشکر کنیم، قدر نعمتهای او را بدانیم و از دستوره‌های او پیروی کنیم.

سپس پیرمرد ما را بر الاغ سوار کرد و به تقی‌آباد رسانید. ما از او تشکر کردیم و دوان‌دوان به خانه‌ی عمو رفتیم.



- ۱ - چرا زهره و دو برادرش، بی حال روی زمین افتادند؟
- ۲ - وقتی پیرمرد آنها را دید چه کرد؟
- ۳ - چه چیزهایی به آنها داد؟
- ۴ - آنها چرا از پیرمرد تشکر کردند؟
- ۵ - پیرمرد به آنها چه گفت؟



این کودکان را ببینید. چرا بی حال روی زمین افتاده اند؟
 چرا قبلاً می توانستند بدونند و از تپه بالا بروند؟
 چه طور شد که به حال آمدند؟
 اگر آب و غذا نخورده بودند به حال می آمدند؟
 چه کسی آب و غذا به آنها داد؟
 چه کسی آب و غذا را برای ما آفریده است؟

نعمتهای خدا

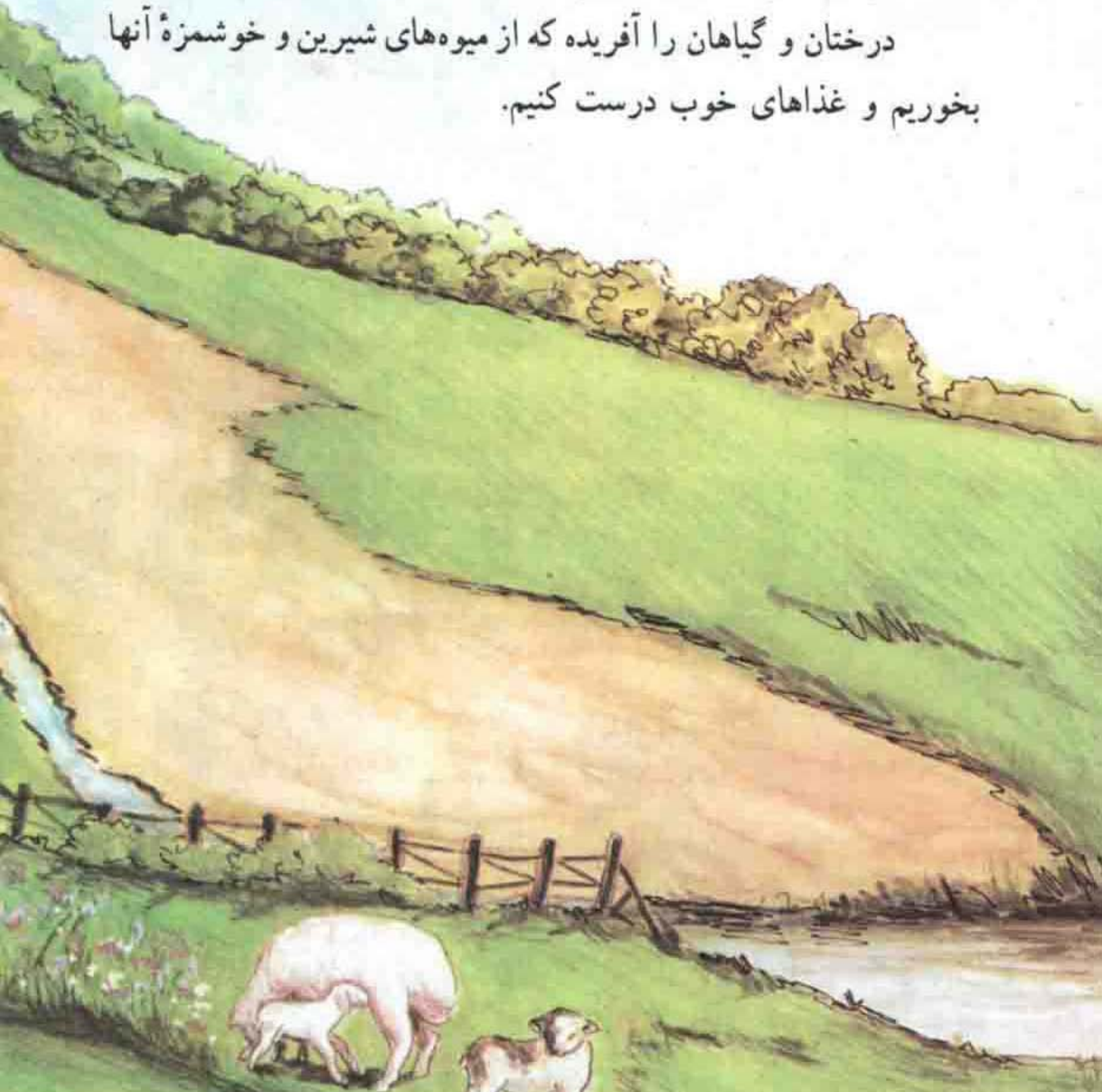
خدا مهربان است و نعمتهای بسیاری به ما داده است.

هوا را آفریده تا نفس بکشیم.

آب را آفریده که بخوریم و خود را با آن بشویم.

درختان و گیاهان را آفریده که از میوه‌های شیرین و خوشمزه آنها

بخوریم و غذاهای خوب درست کنیم.





اگر هوا و آب و گیاه و درخت نداشتیم، چگونه می توانستیم زندگی کنیم؟ چه کسی جز خدای دانا می تواند چنین نعمتهای خوبی را برای ما درست کند؟

خدا خیلی مهربان است که این نعمتها را برای استفاده ما آفریده است.

ما نیز خدای مهربان را دوست داریم و او را شکر می کنیم. از دستورهای خدا پیروی می کنیم تا در این جهان و جهان آخرت خوشبخت و سعادت مند زندگی کنیم. به درماندگان و تهی دستان نیز کمک می کنیم و در راه سعادت و خوشبختی بندگان خدا کوشش می نماییم.



- ۱ - چگونه می‌فهمیم که خدا به ما مهربان است؟
- ۲ - چرا خدا را شکر می‌کنیم؟
- ۳ - نام پنج نعمت خدا را بگویید.
- ۴ - برای این که سعادت‌مند بشویم، از دستوره‌های چه کسی باید پیروی کنیم؟

جمله‌های زیر را کامل کنیم:



- ۱ - خدا _____ است و نعمتهای بسیار، برای ما آفریده است.
- ۲ - هوا را آفریده تا _____ آب را آفریده تا _____.
- ۳ - ما نیز خدای مهربان را _____.
- ۴ - خدا به ما مهربان است و خوبی و _____ ما را می‌خواهد.
- ۵ - ما از دستوره‌های خدا _____ می‌کنیم، تا همیشه _____ زندگی کنیم.

این مرد کار می‌کند و گندم می‌کارد.
پس از مدتی زمینش، سبز و خرم می‌شود.
این مرد در تابستان، چه چیز درو می‌کند؟



هر که کار خوب کند، نتیجهٔ خوب می‌گیرد.
«خدا کسانی را که کارهای خوب می‌کنند، دوست دارد.»

این مرد کار نمی‌کند و چیزی نمی‌کارد؛
در تابستان، چه چیزی درو می‌کند؟
آیا زمینش سبز و خرم می‌شود؟



خدا کسانی را که کارهای خوب نمی‌کنند، دوست ندارد.

جهان آخرت

معاد

مردم دو دسته‌اند:

یک دسته دیندار و نیکوکارند.

دسته دیگر بی‌دین و بدکارند.

آیا این دو دسته باهم مساوی هستند؟

آیا اشخاص نیکوکار و بدکار پیش خدا مساوی هستند؟

آیا نیکوکاران پاداشی ندارند؟ آیا بدکاران به سزای کارهایشان

نخواهند رسید؟ نه! هرگز چنین نیست.

خدا می‌فرماید: نیکوکاران و بدکاران پیش من مساوی نیستند. به

نیکوکاران پاداش نیکو می‌دهم و بدکاران را کیفر می‌کنم.

آری! خدای توانا، جهان دیگری دارد به نام جهان آخرت. وقتی

انسان بمیرد به آن جهان می‌رود. ما اگر نیکوکار باشیم و به دستورهای خدا

عمل کنیم، در جهان آخرت پاداش خوب می‌بینیم و با خوبی و آسایش در

بهشت زندگی می‌کنیم.

و اگر بی‌دین و بدکار باشیم و به دستورهای خدا عمل نکنیم، به

سزای کارهای خود می‌رسیم و در جهان آخرت زندگی بد و سختی

خواهیم داشت.

خدا به نیکوکاران پاداش نیکو می‌دهد و بدکاران را کیفر می‌کند.





- ۱ - آیا مردم نیکوکار با مردم بدکار، پیش خدا مساوی هستند؟
- ۲ - خدا سزای کامل کارهای ما را در کجا می‌دهد؟
- ۳ - مردم نیکوکار، در جهان آخرت، چگونه زندگی خواهند کرد؟
- ۴ - مردم بدکار چگونه؟
- ۵ - کسی که کار خوب می‌کند، خدا چه پاداشی به او می‌دهد؟
- ۶ - کسی که بدی می‌کند و مردم را اذیت می‌کند، سزایش چیست؟
- ۷ - اگر همه دستوره‌های خدا را عمل کنیم، در جهان آخرت، چگونه خواهیم بود؟
- ۸ - اگر بدکار باشیم و نافرمانی کنیم چگونه؟
- ۹ - چه اشخاصی به بهشت می‌روند؟
- ۱۰ - جهنم جای چه افرادی است؟

جمله‌های زیر را کامل کنیم:



- ۱ - مردم دو دسته‌اند: یک دسته _____ و _____ هستند و دسته دیگر _____ و _____.
- ۲ - نیکوکاران و بدکاران پیش خدا _____ نیستند.
- ۳ - خدای توانا، جهان دیگری دارد به نام _____.
- ۴ - ما اگر نیکوکار باشیم و به دستورات خدا عمل کنیم، در جهان آخرت _____ می‌بینیم.
- ۵ - و اگر بدکار باشیم و به دستوره‌های خدا عمل نکنیم، در جهان آخرت زندگی _____ خواهیم داشت.

پیامبران خدا

آیا می‌دانید پیامبران چه کسانی هستند؟

پیامبران مردان بزرگی هستند که خدای مهربان آنها را انتخاب کرده است.

پیامبران پیامهای خدای مهربان را به مردم می‌رسانند و بهترین درسها را که برای دنیا و آخرت مردم سودمند است به آنها می‌آموزند و مردم را به بهترین زندگی راهنمایی می‌کنند.

چه کسی این درسها را به پیامبران آموخته است؟

خدای مهربان این درسها را به پیامبران آموخته است و به آنها فرمان داده تا مردم را به کارهای نیکو فرمان دهند و از کارهای بد بازدارند تا در این جهان، و جهان دیگر، سعادت‌مند و خوشبخت شوند.


پیامبران، مردم را به پرستش خدای مهربان و انجام کارهای نیکو دعوت کرده‌اند. پیامبران به مردم گفته‌اند: باهم مهربان باشید، دوستان خدا را دوست بدارید و دشمنان خدا را دشمن بدانید، با ستمکاران دشمنی کنید و ستمدیدگان را یاری و کمک نمایید.

پیامبران رهبر و راهنمای مردم هستند.

اگر مردم رهبر و راهنما نداشته باشند چگونه می‌توانند راه درست

زندگی را پیدا کنند؟

- ۱ - پیامبران را چه کسی انتخاب کرده است؟
- ۲ - خدا پیامبران را برای انجام چه کارهایی انتخاب کرده است؟
- ۳ - پیامبران چه درسهایی را به مردم می‌آموزند؟
- ۴ - چه کسی این درسها را به پیامبران آموخته است؟
- ۵ - خدا به پیامبران چه فرمانی داده است؟
- ۶ - پیامبران چه درسهایی را به مردم آموختند؟

این جمله‌ها را کامل کنید: 

- ۱ - پیامبران مردم را به _____ و انجام کارهای نیکو دعوت می‌کنند.
- ۲ - پیامبران مردم را به بهترین _____ راهنمایی می‌کنند.
- ۳ - پیامبران _____ خدا را به مردم می‌رسانند.



آخرین پیامبر خدا

پیامبر ما حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) آخرین پیامبر خداست. در شهر مکه به دنیا آمد. چهل سال در بین مردم زندگی کرد. در چهل سالگی خدا او را به پیامبری برگزید. خدا راه سعادت و زندگی را به او نشان داد و فرمان داد که مردم را راهنمایی کند. تا سه سال مردم را پنهانی به «دین اسلام» دعوت می کرد. بعد از سه سال، خدا فرمان داد که دعوتش را آشکار کند.

پیامبر گرامی روی تخته سنگی ایستاد. مردم را صدا زد. مردم او را می شناختند. به سویش دویدند و دورش جمع شدند. او می خواست با مردم صحبت کند و به آنها مژده دهد. به مردم گفت: ای مردم! من پیامبر خدا هستم. من رهنمای شما هستم. من راهنمای گم شدگان هستم. من بهترین



هدیه‌ها را برای شما آورده‌ام.
من از طرف خدا برای شما پیام آورده‌ام: به خدای یگانه ایمان
بیاورید تا رستگار شوید. بگویید: «لا اله الا الله» و خود را از ذلت و پستی
و گمراهی نجات دهید.

پیامبر گرامی ما بهترین هدیه را برای ما آورده است.



پرسش و تمرین:

- ۱ - پیامبر گرامی ما در کدام شهر به دنیا آمد؟
- ۲ - خدا او را در چند سالگی به پیامبری برگزید؟
- ۳ - پیامبر چگونه دعوت خود را آشکار کرد؟
- ۴ - به مردم چه گفت؟
- ۵ - به مردم گفت چه بگویند؟ چگونه خود را از ذلت نجات دهند؟

این جمله‌ها را کامل کنید:

- ۱ - مردم _____ را می‌شناختند، به سویش دویدند.
- ۲ - پیامبر به مردم گفت: من _____ گم‌شدگان هستم.
- ۳ - من از طرف _____ برای شما _____ آورده‌ام.
- ۴ - ای مردم! بگویید: « _____ » و خود را نجات دهید.
- ۵ - پیامبر گرامی ما _____ را برای ما آورده است.

دین چیست؟

خدای خوب و مهربان، برای سعادت ما دستورهایی را فرستاده است، این دستورها و راهنماییها را پیامبران برای ما آورده‌اند. پیامبران، راه خداشناسی و بهترین راه زندگی را به ما نشان داده‌اند.

پیامبران به ما گفته‌اند که:

با دیگران چگونه رفتار کنیم.
پدر و مادر خود را چگونه احترام کنیم.
از آموزگار خود چگونه تشکر کنیم.

پیامبران به ما گفته‌اند که:

با خدای خوب خود چگونه صحبت کنیم.
چه کارهایی بکنیم تا خدا از ما راضی باشد.
برای آینده خود در آخرت، چه چیزهایی لازم داریم.

دین یعنی چه؟

دستورها و برنامه‌هایی که پیامبران برای زندگی دنیا و آخرت ما آورده‌اند «دین» نامیده می‌شود.

دیندار کیست؟

کسی که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد و دستورهای پیامبران را عمل می‌کند «دیندار» است.

خدا مردم دیندار را دوست دارد و به آنان پاداش نیک می‌دهد. آدمهای دیندار، در این جهان به خوبی زندگی می‌کنند و در جهان آخرت نیز، خوشبخت خواهند بود.

پرسشها:



- ۱ - دستورها و راهنماییهای خدا، برای چیست؟
- ۲ - این دستورها و راهنماییها را چه کسانی برای ما آورده‌اند؟
- ۳ - پیامبران، چه چیزهایی به ما گفته‌اند؟
- ۴ - دین، یعنی چه؟
- ۵ - به چه کسی دیندار می‌گویند؟
- ۶ - مردم دیندار، در این جهان، و در جهان آخرت، چگونه زندگی می‌کنند؟
- ۷ - خدا با مردم دیندار، چگونه رفتار می‌کند؟

پیامبران بزرگ

خدا برای راهنمایی مردم، پیامبران بسیاری را فرستاده، که بزرگ‌ترین آنان پنج نفرند:

- ۱ - حضرت نوح علیه‌السلام
- ۲ - حضرت ابراهیم علیه‌السلام
- ۳ - حضرت موسی علیه‌السلام
- ۴ - حضرت عیسی علیه‌السلام
- ۵ - حضرت محمد علیه‌السلام

پیروان حضرت موسی را یهودی می‌گویند.
پیروان حضرت عیسی را مسیحی می‌گویند.
پیروان حضرت محمد را مسلمان می‌گویند.

همهٔ پیامبران، از طرف خدا بوده‌اند و ما به همهٔ آنان، احترام می‌گذاریم. اما حضرت محمد از همهٔ پیامبران، بزرگ‌تر و برتر است.
حضرت محمد آخرین پیامبران بوده و بعد از او پیامبر دیگری نخواهد آمد.



- ۱ - پیغمبران بزرگ چند نفرند و نامشان چیست؟
- ۲ - به چه کسی، یهودی می‌گویند؟
- ۳ - به چه کسی، مسیحی می‌گویند؟
- ۴ - به پیروان حضرت محمد، چه می‌گویند؟
- ۵ - نام آخرین پیغمبر خدا چیست؟
- ۶ - بزرگ‌ترین و برترین پیغمبر خدا کیست؟

جمله‌های زیر را کامل کنیم:



- ۱ - همه پیامبران از _____ بوده‌اند و ما به _____ احترام می‌گذاریم.
- ۲ - اما حضرت محمد از همه پیامبران _____ و _____ است.
- ۳ - حضرت محمد _____ بوده و بعد از او _____ نخواهد آمد.

کودکی حضرت محمد

حضرت محمد در یکی از خانواده‌های مکه به دنیا آمد. پدرش «عَبْدُالله» و مادرش «آمنه» نام داشت.

پیش از آن که از مادر متولد شود، پدرش از دنیا رفت. وقتی به دنیا آمد مادرش او را به دایه‌ای سپرد. نام دایه محمد «حَلیمه» بود. حلیمه، محمد را به کوهستان برد تا او را در هوای آزاد پرورش دهد.

محمد چهار ساله شد. روزی خواست با چوپانها به صحرا رود. حلیمه موهای او را شانه زد. لباس نو به او پوشاند و گردن‌بندی که چند مهره سبز رنگ داشت به گردنش آویخت.

محمد پرسید: این گردن‌بند برای چیست؟ حلیمه گفت: برای آن است که در بیابان تو را از خطر حفظ کند.

محمد آن را از گردن خود باز کرد و کنار گذاشت و گفت: کسی هست که مرا از همه خطرها نگاه می‌دارد. از این گردن‌بند و مهره‌های آن کاری ساخته نیست.

حلیمه پرسید: کیست که تو را از همه خطرها حفظ می‌کند؟
محمد گفت: خدا، که ما را آفریده است.

خدا نگاهدار همه ماست.





- ۱ - نام پدر حضرت محمد چه بود؟ نام مادرش چه بود؟
- ۲ - نام دایه‌اش چه بود؟ پیامبر ما در کودکی کجا پرورش یافت؟
- ۳ - چرا حضرت محمد آن گردن‌بند را از گردن خود باز کرد؟
- ۴ - حلیمه از حضرت محمد چه پرسید؟
- ۵ - او در پاسخ چه گفت؟

با کودکان مهربان باشید

پیامبر گرامی ما، حضرت محمد با کودکان مهربان بود و آنان را بسیار دوست می‌داشت. روزی دو فرزند کوچکش، حسن و حسین را به روی زانویش نشانده بود و می‌بوسید و نوازش می‌کرد. مردی که از آن جا می‌گذشت رفتار پیامبر را دید. تعجب کرد و گفت: من ده فرزند دارم و



هنوز حتی یکی از آنان را نبوسیده‌ام. این سخن را گفت و رفت.
پیامبر سخن این مرد نامهربان را شنید، ناراحت شد و با ناراحتی
فرمود: گمان نکنم این مرد در جهان آخرت به بهشت وارد شود.
پیامبر گرامی ما کودکان را دوست می‌داشت، آنان را بر دوش خود
می‌نشاند و با آنها راه می‌رفت. کودکان، شادمان و خشنود می‌شدند و
می‌خندیدند. پیامبر هم از خشنودی و خنده پاک کودکان، خوشحال می‌شد
و لبخند می‌زد.

پیامبر گرامی ما به کودکان سلام می‌کرد و می‌فرمود: من به کودکان
سلام می‌کنم و به آنها احترام می‌گذارم تا مسلمانان از رفتار من پیروی
کنند و همیشه کودکان را گرامی بدارند.

پیامبر گرامی ما حضرت محمد، درباره کودکان — دختران و پسران —
به مسلمانان سفارش می‌کرد و می‌فرمود: ای مسلمانان! ای پدران و
مادران! ای پیروان من! کودکان را گرامی بدارید و با آنها مهربان باشید.
زیرا کسی که با کودکان مهربان نباشد از ما مسلمانان نیست.

پیامبر گرامی ما با کودکان مهربان بود و از خنده پاک کودکان
خوشحال می‌شد.





- ۱ - چرا آن مرد از رفتار پیامبر تعجب کرد؟
- ۲ - آن مرد چه گفت؟
- ۳ - پیامبر وقتی سخن او را شنید چه گفت؟
- ۴ - پیامبر ما دربارهٔ کودکان چه سفارش می‌کرد؟

این جمله‌ها را کامل کنید:



- ۱ - پیامبر ما می‌فرمود: من به کودکان _____ و به آنها احترام می‌گذارم.
- ۲ - تا مسلمانان از رفتار من _____ کنند و همیشه کودکان را _____ بدارند.
- ۳ - پیامبر کودکان را بر دوش خود _____ و با آنها راه می‌رفت.
- ۴ - پیامبر از خندهٔ پاک کودکان _____ و لبخند می‌زد.
- ۵ - با کودکان _____ باشید زیرا کسی که _____ مهربان نباشد _____ نیست.

دین اسلام

بهترین دین، برای بهترین زندگی

پیامبر ما حضرت محمد به مردم می فرمود: من همه خوبیهای دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام و خدا به من فرمان داده است که همه مردم جهان را به دین اسلام دعوت کنم.

دین اسلام چیست؟

همه دستورهای خدا را که حضرت محمد آورده «دین اسلام» می‌گویند، دین اسلام بهترین و کامل‌ترین دینهاست.

مسلمان کیست؟

مسلمان کسی است که می‌کوشد تا در همه کارها از دستورهای خدا، که حضرت محمد آورده پیروی کند.

کتاب دینی ما چه نام دارد؟

نام کتاب دینی ما «قرآن» است. قرآن برنامه زندگی است، که خدا برای ما فرستاده است.

ما مسلمانان به قرآن احترام می‌گذاریم. یعنی به دستورهایش عمل

می‌کنیم.

قرآن آخرین کتاب آسمانی است.





- ۱ - حضرت محمد به مردم چه می فرمود؟
- ۲ - خدا به حضرت محمد، چه فرمان داد؟
- ۳ - آیا دین اسلام، فقط برای بعضی از مردم جهان آمده است؟
- ۴ - به چه چیزهایی «دین اسلام» می گویند؟
- ۵ - دین اسلام چگونه دینی است؟
- ۶ - مسلمان کیست؟
- ۷ - نام کتاب دینی ما مسلمانان چیست؟
- ۸ - ما چگونه قرآن را احترام می کنیم؟

جمله‌های زیر را کامل کنیم:



- ۱ - دین اسلام برای همه مردم _____ است.
- ۲ - دستورهای خدا را که حضرت محمد آورده _____ می گویند.
- ۳ - مسلمان کسی است که _____ در همه کارها و برنامه‌هایش از _____ پیروی کند.
- ۴ - قرآن کتاب _____ ما و برنامه _____ ماست.
- ۵ - ما مسلمانان به _____ احترام می گذاریم و می کوشیم که دستورهای _____ را عمل کنیم.

باغی که سوخت

صاحبان باغ باهم نشسته بودند و درباره میوه‌های باغشان صحبت می‌کردند. می‌گفتند: فردا صبح زود، به باغ می‌رویم و میوه‌های باغ را می‌چینیم. به مستمندان هم از میوه باغ چیزی نمی‌دهیم. یکی از آنها که از دیگران بهتر بود، گفت: دوستان! دستور خدا را



فراموش نکنید و به نیازمندان و مستمندان کمک کنید.
بقیه ناراحت شدند و گفتند: چرا در کار ما دخالت می کنی؟ باغ و
میوه های آن مال خود ماست. به هیچ کس هم چیزی نمی دهیم.
شب شد. تاریک شد. همه خوابیدند. به فرمان خدا، آسمان برق زد
و درختها و میوه های باغ را سوزاند و مثل زغال سیاه کرد.



صبح شد، صاحبان باغ بیدار شدند. گفتند: زود باشید برویم
میوه‌ها را بچینیم. سر و صدا نکنید، مبادا فقیران و نیازمندان باخبر شوند.
بی‌سر و صدا راه افتادند و رفتند تا به باغ رسیدند. منظره‌ی عجیبی
را دیدند. یکی از آنها با تعجب گفت: نه...! این باغ ما نیست، راه را
اشتباه آمده‌ایم.

دیگری گفت: چرا...! باغ ما همین است. افسوس که سوخته
است. همان کسی که دوستانش را نصیحت کرده بود گفت:
دوستان! نگفتم خدا را فراموش نکنید و دستورهای او را عمل



کنید؟ نگفتم به نیازمندان کمک کنید؟ این سزای دنیای شماست. عذاب
آخرت هم برای شما خیلی سخت‌تر و پایدارتر است. این است سزای
کسانی که به نیازمندان کمک نکنند.

عذاب آخرت برای گنهکاران سخت‌تر و پایدارتر است.



فکر کنید و پاسخ دهید:

- ۱ - صاحبان باغ باهم چه می گفتند؟
 - ۲ - یکی از آنها به دوستان دیگرش چه گفت؟
 - ۳ - چرا آن باغ سوخت؟
 - ۴ - صاحبان باغ صبح زود باهم چه گفتند؟
 - ۵ - وقتی به باغ رسیدند، چه گفتند؟
- داستان را برای دوستان خود تعریف کنید.
چند قسمت از داستان را نقاشی کنید.

جمله‌های زیر را کامل کنید:

- ۱ - یکی از آنها که آدم خوبی بود، گفت:
دوستان! _____ را فراموش نکنید و به نیازمندان _____ کنید.
- ۲ - گفتند: زود باشید، برویم میوه‌ها را بچینیم، سر و صدا نکنید مبادا _____
_____ شود.
- ۳ - همان کسی که قبلاً دوستانش را نصیحت کرده بود گفت:
این سزای شماست و عذاب آخرت هم، برای شما _____

آیا می‌دانی امام کیست؟

امام جانشین پیامبر است و بعد از پیامبر کارهای او را انجام می‌دهد.

چه کسی «امام» را تعیین می‌کند؟

پیامبر، به فرمان خدا، امام را تعیین می‌کند و کارهای خود را به او می‌سپارد. امام، مردم را رهبری می‌کند و دستورها و پیامهای خدا را برای مردم روشن می‌نماید. امام رهبر مردم و نگهدار دین است.

امامان ما، مردم را به پرستش خدای مهربان و انجام کارهای نیکو و کمک به انسانهای دیگر دعوت کرده‌اند. امامان، دشمن ستمکاران بودند و با آنها مبارزه می‌کردند. امامان کوشش می‌کردند تا مردم را با خدا آشنا کنند و در میان آنها عدل و برابری برقرار سازند. اگر مردم بعد از پیامبر رهبر و راهنما نداشته باشند، چگونه می‌توانند راه درست زندگی را پیدا کنند؟

امام رهبر و ولی مردم و نگهدار دین است.





- ۱ - چه کسی امام را تعیین می‌کند؟
- ۲ - امامان دشمن چه کسانی بوده‌اند؟
- ۳ - امامان برای چه هدفی کوشش می‌کردند؟
- ۴ - مسئولیت امام چیست؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:



- ۱ - امام _____ پیغمبر است و _____ کارهای او را انجام می‌دهد.
- ۲ - امام مردم را _____ می‌کند و پیامهای خدا را برای مردم _____ می‌نماید.
- ۳ - امامان ما مردم را به _____ و _____ دعوت کرده‌اند.
- ۴ - امامان دشمن _____ بودند و با آنها _____
- ۵ - امام رهبر و _____ مردم و نگهدار دین است.

دوازده امام

بعد از پیامبر، دوازده امام داریم، که یکی بعد از دیگری آمده‌اند:

اول - حضرت علی علیه السلام

دوم - حضرت امام حسن علیه السلام

سوم - حضرت امام حسین علیه السلام

چهارم - حضرت امام زین العابدین علیه السلام

* * *

پنجم - حضرت امام محمد باقر علیه السلام

ششم - حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

هفتم - حضرت امام موسیٰ کاظم علیه السلام

هشتم - حضرت امام رضا علیه السلام

* * *

نهم - حضرت امام محمد تقی علیه السلام

دهم - حضرت امام علی نقی علیه السلام

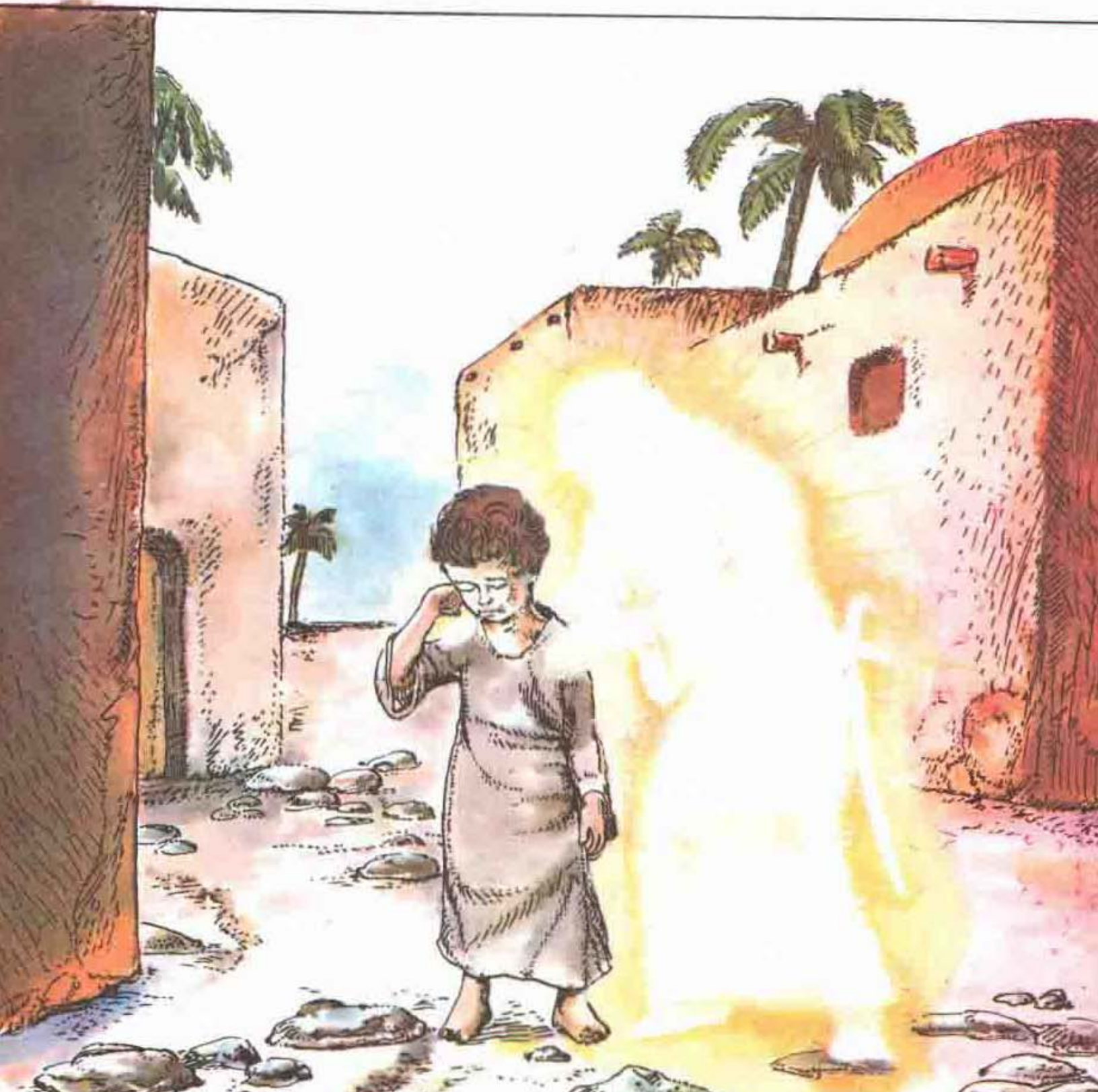
یازدهم - حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

دوازدهم - حضرت حجت، امام زمان علیه السلام

* * *

کودکان را گرمی بدارید

حضرت علی علیه السلام، با همهٔ کودکان - مخصوصاً با کودکان یتیم - بسیار مهربان بود. اگر کودک یتیمی را می‌دید که گریه می‌کند، خم می‌شد، به آن کودک سلام می‌کرد، اشکهایش را پاک می‌نمود، دست بر



شانه‌اش می‌نهاد و از او می‌پرسید: پسرم! چرا گریه می‌کنی؟ چه کسی تو را اذیت کرده است؟ بیا باهم به منزل برویم. او را به منزل می‌برد و بهتر از یک پدر مهربان، از او پذیرایی می‌نمود. برای او شیرینی و عسل می‌آورد و خودش در دهانش می‌گذارد.


حضرت علی علیه‌السلام به پیروان خود سفارش می‌کرد که کودکان یتیم مخصوصاً یتیمان شهدا را بسیار گرامی بدارید. آنها پدران مهربان خویش را از دست داده‌اند، شما همانند پدر مهربان از آنها دلجویی و مراقبت کنید. پدران اینها در میدان جهاد و در راه اسلام شهید شده‌اند و بر همه شما حق دارند. با دلجویی و مراقبت از خانواده آنان، روحشان را شاد گردانید. خود حضرت علی نیز همواره مواظب یتیمان، مخصوصاً خانواده شهدا بود. به دیدنشان می‌رفت و احوالپرسی می‌کرد. مراقب تعلیم و تربیتشان بود. در حل مشکلاتشان می‌کوشید و در همه جا راهنماییشان بود. برایشان هدیه می‌برد و اگر تهی دست بودند مخارجشان را محترمانه تأمین می‌کرد.

حضرت علی علیه‌السلام، آن قدر با کودکان یتیم مهربان بود و درباره آنان سفارش می‌فرمود که یکی از دوستانش می‌گفت: ای کاش من هم کودک یتیمی بودم تا این همه مورد مهر و محبت حضرت علی قرار می‌گرفتم.

کودکان — مخصوصاً فرزندان شهیدان — را گرامی بدارید.



- ۱ - حضرت علی دربارهٔ کودکان - مخصوصاً کودکان یتیم - به پیروان خود چه می‌فرمود؟
- ۲ - دوست حضرت علی دربارهٔ رفتار آن حضرت با کودکان یتیم چه گفته است؟
- ۳ - اگر حضرت علی کودک یتیمی را می‌دید، با او چگونه رفتار می‌کرد؟

جمله‌های زیر را کامل کنید: 

- ۱ - حضرت علی علیه‌السلام با _____ بسیار مهربان بود.
- ۲ - حضرت علی خم می‌شد و به آن کودک _____
- ۳ - او را به منزل می‌برد و بهتر از _____ از او پذیرایی می‌نمود.
- ۴ - حضرت علی پیوسته به پیروان خود می‌فرمود: کودکان _____ را گرامی بدارید. مبادا _____ فراموش کنید.

مهمانهای حضرت امام حسن

حضرت امام حسن — علیه السلام — با مردم فقیر، دوست و مهربان بود. روزی در راه، چند نفر فقیر را دید که روی زمین نشسته‌اند و غذا می‌خورند. غذای آنها چند تکه نان خشک بود.

هنگامی که آنها حضرت امام حسن را دیدند، گفتند: بفرمایید! بفرمایید! با ما غذا بخورید.

حضرت امام حسن از اسب پیاده شد و پیش آنها روی زمین نشست. سپس فرمود: ای برادران! من دعوت شما را قبول کردم. اکنون خواهش می‌کنم شما هم مهمان من شوید و به منزل من بیایید. آنان دعوت امام را قبول کردند.

امام حسن به منزل رفت و فرمود: من مهمانهای عزیزی دارم، بهترین غذاها را برایشان تهیه کنید.

مهمانها به منزل امام آمدند و حضرت امام حسن — علیه السلام — با احترام، از آنها پذیرایی کرد و آنان بسیار خشنود شدند.

حضرت امام حسن با فقیران و تهی‌دستان خیلی مهربان بود. به آنان کمک می‌کرد و در مدت زندگی، چندین مرتبه، هر چه داشت بین خودش، و آنان تقسیم فرمود.

حضرت امام حسن با مردم فقیر دوست و بسیار مهربان بود.





- ۱ - مهمانهای حضرت امام حسن، چه افرادی بودند؟
- ۲ - حضرت امام حسن، برای آنها چگونه غذایی تهیه کرد؟
- ۳ - حضرت امام حسن با فقیران و نیازمندان چگونه رفتار می کرد؟
- ۴ - رفتار شما با مردم فقیر و بینوا چگونه است؟
- ۵ - از این داستان چه نتیجه می گیریم؟
- ۶ - چگونه از حضرت امام حسن، پیروی می کنیم؟
- ۷ - آیا وظیفه نداریم از حق پایمال شده تھی دستان دفاع کنیم؟
- ۸ - چگونه از حق آنان دفاع می کنیم؟

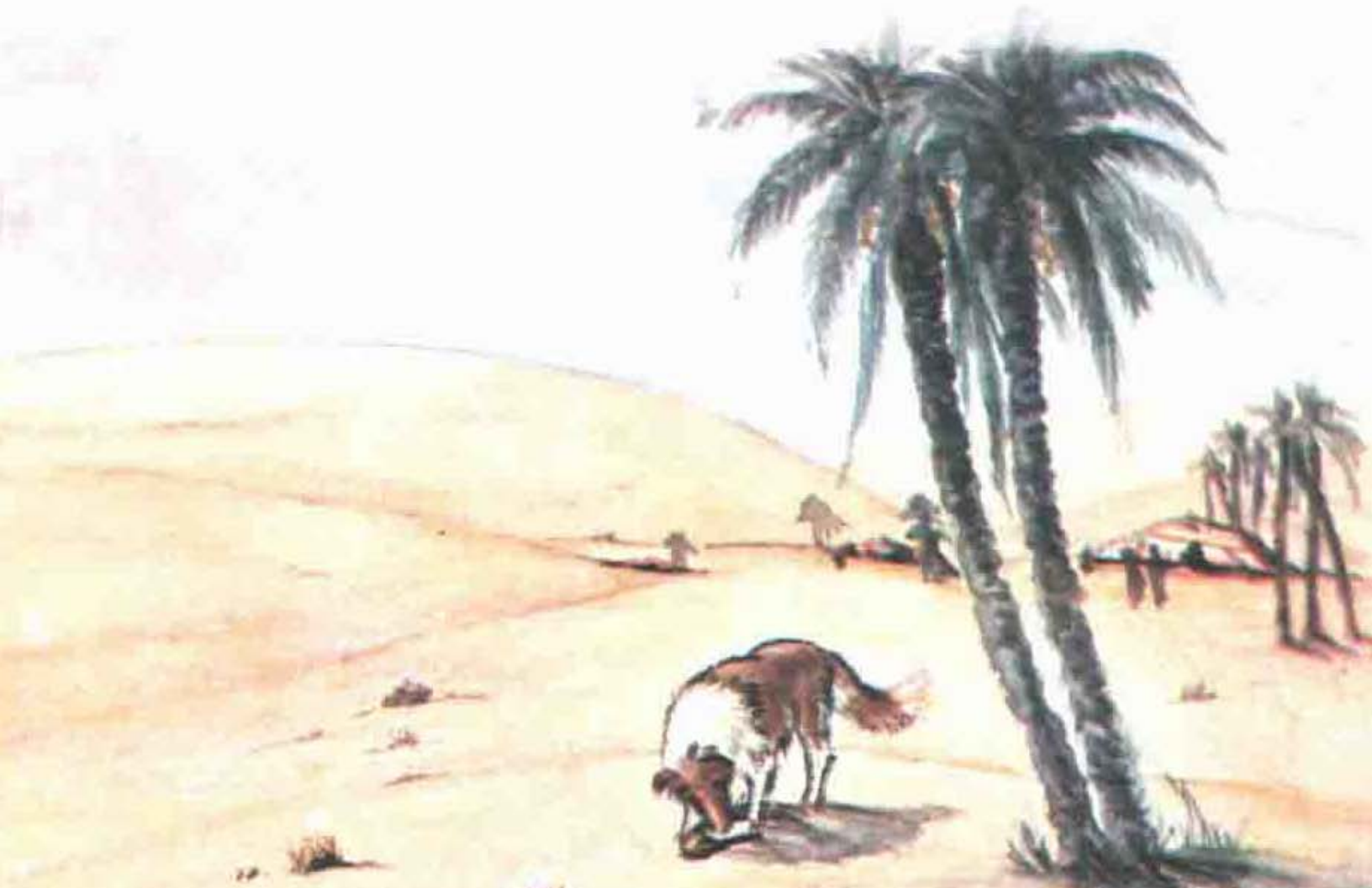
جمله های زیر را کامل کنیم:



- ۱ - حضرت امام حسن، با مردم فقیر _____ بود.
- ۲ - حضرت امام حسن، از اسب پیاده شد و پیش آنها _____ نشست.
- ۳ - فرمود: من _____ دارم، بهترین _____ تهیه کنید.
- ۴ - امام حسن _____ از آنها پذیرایی کرد.

با حیوانات مهربان باشیم

روزی حضرت امام حسن (علیه السلام) مشغول غذا خوردن بود، سگی در مقابلش ایستاده بود و نگاه می کرد. امام حسن لقمه ای به دهان خودش می گذاشت و لقمه دیگری را جلوی سگ می انداخت، سگ آن را می خورد و برای تشکر، دمش را تکان می داد و صدا می کرد و به آن حضرت نگاه می کرد. امام حسن باز لقمه ای جلوی سگ می انداخت. مردی که از آن جا می گذشت، جلو آمد و گفت: خوب نیست این سگ جلوی شما ایستاده و نمی گذارد به راحتی غذا بخورید، اجازه بدهید آن را بزنم و دور کنم.



امام حسن، فرمود: نه! نه! این کار را مکن. این حیوان زبان بسته را خدا آفریده است. خدا آن را دوست دارد، گرسنه است، من از خدا خجالت می کشم که غذا و نعمت او را بخورم و به این حیوان که مخلوق و آفریده اوست چیزی ندهم، آخر او گرسنه است و به من نگاه می کند.

پرسشها:



- ۱ - حضرت امام حسن، به آن سگ، چگونه غذا می داد؟
- ۲ - آیا تا به حال شما، به حیوانی غذا داده اید؟
- ۳ - آن سگ، چگونه تشکر می کرد؟
- ۴ - چرا آن مرد می خواست، سگ را دور کند؟

کودک نیکوکار

احمد پسر بسیار خوبی است. به کسی اذیت نمی‌کند. با خواهر و برادرش رفیق و مهربان است. به خواهرش مهین، که در کلاس اول درس می‌خواند، کمک می‌کند



تا درسهایش را خوب یاد بگیرد. در ساعتهای بی کاری به همکلاسهایش کمک می کند تا درسهایشان را حاضر کنند.

احمد نسبت به همهٔ بچه ها دلسوز و مهربان است. دلش می خواهد همهٔ آنها درسشان را خوب بلد باشند.

اگر یکی از دوستانش به قلم یا کاغذ احتیاج پیدا کرد به او می دهد.

احمد در خانه به مادرش کمک می کند و در انجام کارها با پدرش همکاری می نماید.

چون احمد، کودک مهربان و نیکوکاری است، همه او را دوست دارند و نزد همه کس عزیز و محترم است. از همه بالاتر این که: خدا او را دوست دارد و به او پاداش نیک خواهد داد. زیرا خدا نیکوکاران را دوست دارد.

در قرآن آمده است:

«خدا نیکوکاران را دوست دارد»





- ۱ - چرا همه، احمد را دوست می‌دارند؟
- ۲ - چرا خدا احمد را دوست دارد؟
- ۳ - وقتی خدا کسی را دوست داشت، چه می‌کند؟
- ۴ - ما اگر بخواهیم مردم، ما را دوست بدارند، باید چه کنیم؟
- ۵ - خدا در قرآن درباره نیکوکاران، چه می‌فرماید؟
- ۶ - شما در چه کارهایی به پدر و مادرتان کمک می‌کنید؟

جمله‌های زیر را کامل کنید:



- ۱ - احمد با خواهرش، _____ و _____ است.
- ۲ - به خواهرش، _____ تا درسهایش را، خوب یاد بگیرد.
- ۳ - چون احمد، کودک _____ و _____ است همه او را _____ دارند.
- ۴ - از همه بالاتر، این که: خدا او را _____ و به او _____ خواهد داد.
- ۵ - خدا در قرآن می‌فرماید: « _____ »

کودک بی آزار

حمید پسر بسیار خوبی است. به کسی اذیت نمی کند، در دبستان به دانش آموزان آزار نمی رساند. به در و شیشه مردم سنگ نمی زند، به در و دیوارها خط نمی کشد.

حمید می داند که مردم آزاری، بدکاری است و گناه دارد. او می داند که اگر به کسی ضرر برساند، گناهکار است و تا عوض آن را ندهد و صاحبش را راضی نکند، خدا از گناهِش نمی گذرد. حمید مواظب است که موقع بازی کردن، همسایه‌ها را اذیت نکند و با سروصدای زیاد آنان را ناراحت نسازد، و مزاحم خواب و استراحتشان نشود.

حمید می داند که: خدا از همسایه‌آزاری بدش می آید.

حمید چون کودک مهربان و بی آزاری است همه او را دوست دارند، و بالاتر این که خدا هم او را دوست دارد و به او پاداش نیک می دهد.

حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«کسی که به همسایگان آزار برساند، به بهشت نخواهد رفت»





۱ - حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - درباره همسایگان چه فرموده است؟

۲ - حمید هنگام بازی چگونه بازی می کند تا همسایه ها ناراحت نشوند؟

۳ - حمید چه کارهایی نمی کند؟

۴ - چرا خدا حمید را دوست دارد؟

جمله های زیر را کامل کنید:



۱ - حمید می داند که مردم آزاری _____ دارد.

۲ - او می داند که اگر _____ گناهکار است.

۳ - تا عوض آن را ندهد و صاحبش را _____ خدا از _____ نمی گذرد.

۴ - چون حمید کودک _____ است خدا او را دوست دارد.

پاکیزه باشیم

پیامبر گرامی ما حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - مردی را دید که گرد و غبار بر صورتش نشسته است. موهایش کثیف و ژولیده است. دست و صورتش را نشسته است. دهانش بدبو و کثیف است. لباسهایش چرک و نامرتب است.

پیامبر از آن مرد ناراحت شد و فرمود: چرا این طور زندگی می‌کنی؟ مگر نمی‌دانی که پاکیزگی جزء دین است؟ مگر نمی‌دانی خدا پاکیزگان را دوست دارد؟ مسلمان باید همیشه پاکیزه باشد و از نعمتهای خدا درست استفاده کند.

حالا که آب در اختیار دارید خود را بشوید و تمیز کنید.

پاکیزگی جزء دین است. مسلمان باید همیشه پاکیزه باشد.



- ۱ - دستهای خود را ببینید. آیا کاملاً پاکیزه است؟
- ۲ - ناخنها چگونه؟
- ۳ - دندانهای خود را در آینه ببینید. آیا پاکیزه هستند؟
- ۴ - آیا دندانهای خود را می‌شوید و مسواک می‌زنید؟ در هر شبانه‌روز چند مرتبه؟ چه مواقعی؟
- ۵ - آیا در پاکیزگی بدن و لباس خود کوشا هستید؟

این جمله‌ها را کامل کنید:

- ۱ - چرا کثیف و _____ زندگی می‌کنی؟
- ۲ - مگر نمی‌دانی _____ جزء دین است؟
- ۳ - مسلمان باید _____ باشد.
- ۴ - مگر نمی‌دانی خدا _____ دوست دارد.
- ۵ - حالا که آب دارید _____ و تمیز کنید.

این پسر، کثیف و نامرتب است.
دست و صورتش را نشسته است.
لباسهایش کثیف و آلوده است.
از این جهت، مردم او را دوست
ندارند.



محمد پسر پاکیزه‌ای است.
دست و صورتش را با آب و صابون
می‌شوید.

لباسهایش را پاکیزه نگه می‌دارد.
به همین جهت، همه او را دوست
دارند.

خدا هم پاکیزگان را دوست دارد.

نماز بخوانیم

نماز بخوانیم و با خدای خوب و مهربان، در نماز صحبت کنیم.
نماز ستون دین است، پیامبر ما فرمود: هر کس نماز را کوچک بشمارد و
درباره آن کوتاهی کند، از پیروان من نیست.



اسلام، به پدران و مادران، دستور می‌دهد، که نماز را به
فرزندان خود یاد دهند و از هفت سالگی آنها را به خواندن نماز،
عادت دهند. و پیوسته، خواندن نماز را به فرزندان خویش، یادآوری کنند.
و از آنها بخواهند که نماز بخوانند.

بر پسران و دخترانی که به سن تکلیف، رسیده‌اند، واجب است که



خودشان حتماً نماز بخوانند و اگر نمازشان را ترک کنند، نافرمانی خدا را کرده، گناه کار می باشند.

خدا کودکانی را که نماز می خوانند، دوست دارد و به آنان پاداش نیک می دهد.

پرسشها: 

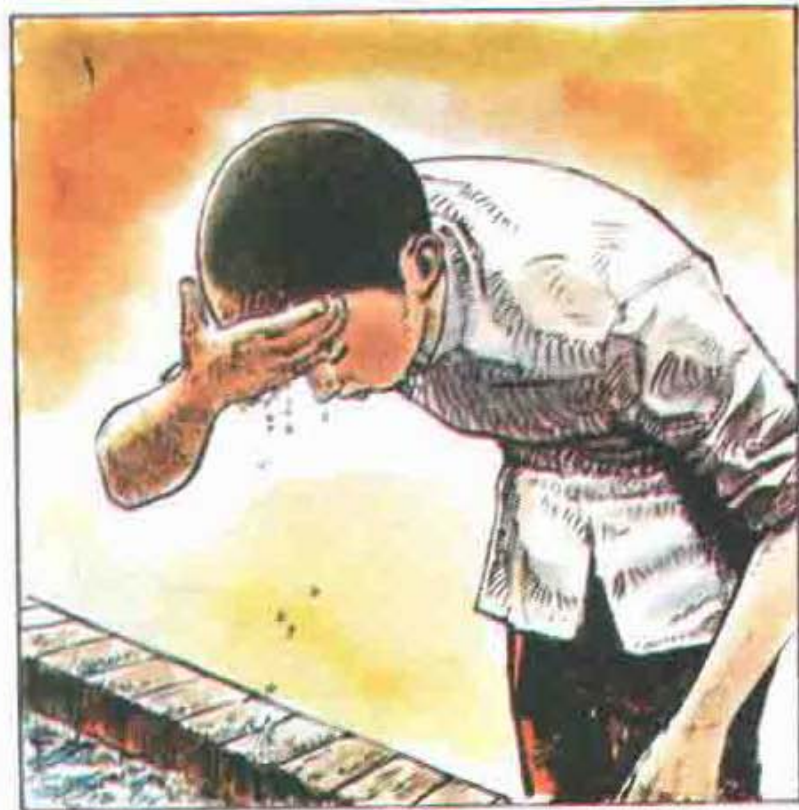
- ۱ - در نماز با چه کسی صحبت می کنیم؟
- ۲ - پیامبر ما درباره کسانی که نماز را کوچک می شمارند، چه فرموده اند؟
- ۳ - وظیفه پدر و مادر در مورد کودکان هفت ساله، چیست؟
- ۴ - چه کسی نماز را به شما یاد می دهد؟
- ۵ - «نماز ستون دین است» یعنی چه؟

وُضُو

کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید قبل از نماز، وضو بگیرد. به این ترتیب:

۱ - نیت می‌کنیم که، برای خوشنودی و انجام فرمانِ خدا، وضو می‌گیریم.

۲ - صورت را، از جایی که موی سر می‌روید تا چانه، از بالا به پایین، می‌شوئیم.

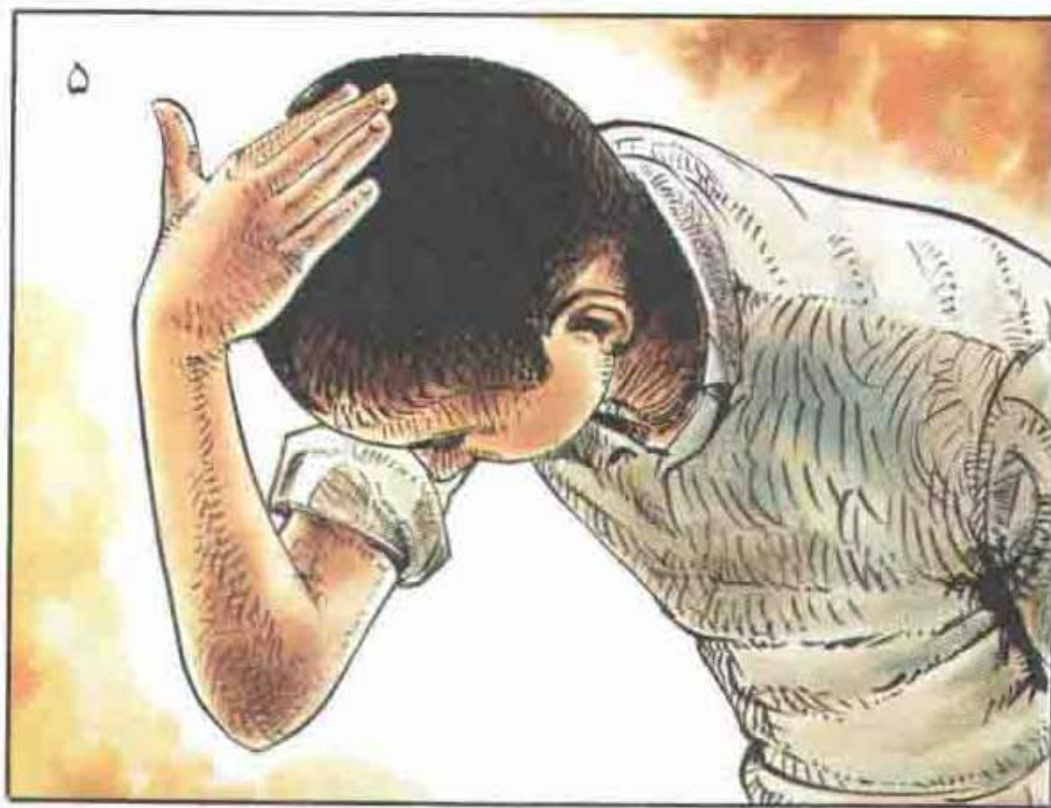


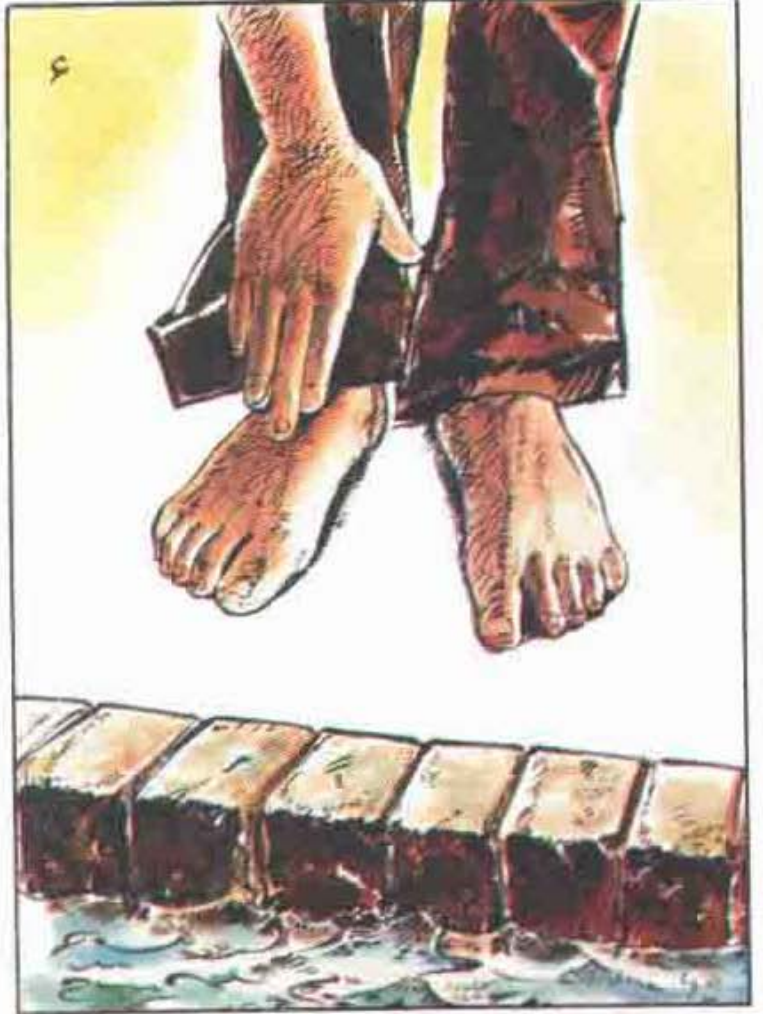
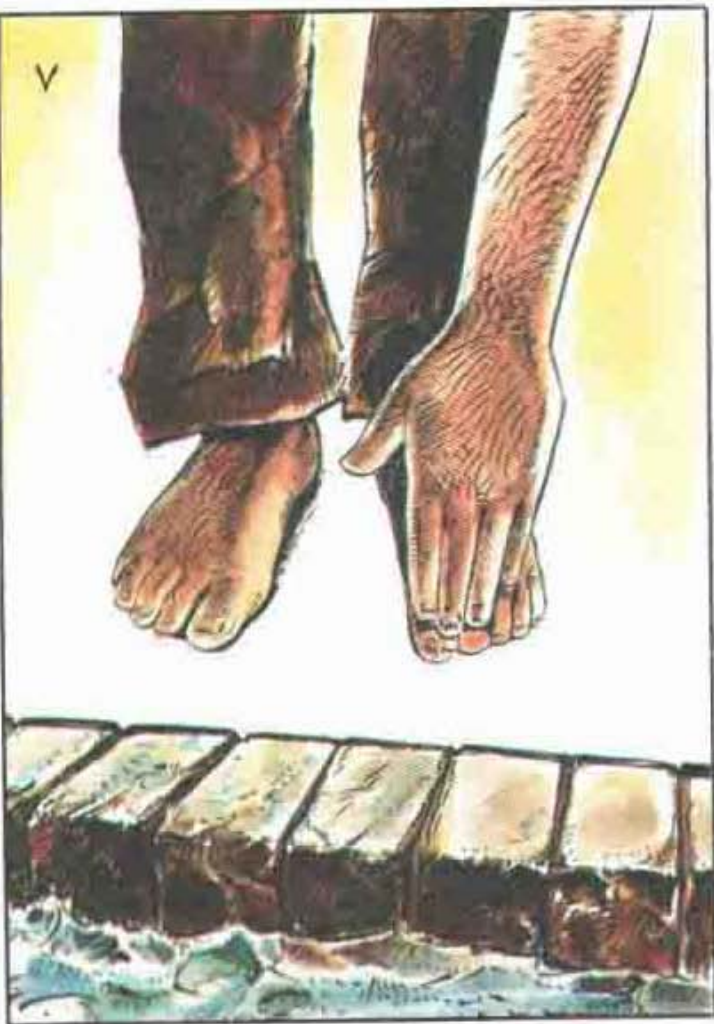
۳ - دست راست را، از آرنج تا سر انگشتان، از بالا به پایین، می‌شوئیم.

۴ - دست چپ را، از آرنج تا سر انگشتان، از بالا به پایین، می‌شوئیم.



۵ - دست راست را، با تری خودش، به جلوی سر، از بالا به پایین، می کشیم.





۶ - دست راست را، با تری خودش، به پشت پای راست، از سر انگشت تا برآمدگی پا، می کشیم.

۷ - دست چپ را، با تری خودش، به پشت پای چپ، از سر انگشت تا برآمدگی پا، می کشیم.

پیش پدر یا مادر یا معلم خود وضو بگیرد و بپوشد: آیا وضوی من درست است؟

آداب غذا خوردن

دین اسلام آداب زندگی را به ما آموخته است و برای زندگی بهتر برای ما برنامه‌های مفیدی آورده است که اگر درست به آنها عمل کنیم خوشبخت و سعادت‌مند می‌شویم. و حتی آداب خوردن و آشامیدن را برای ما بیان کرده است.

آداب غذا خوردن:

۱ - قبل از غذا دستها را با آب پاکیزه بشوید.

۲ - غذا را با نام خدا شروع کنید و «بسم الله الرحمن الرحيم»

بگویید.

۳ - لقمه‌ها را کوچک بردارید و نرم بجوید. زیرا غذا هر چه

نرم‌تر جویده شود بهتر و زودتر هضم می‌شود و به سلامتی انسان بیشتر کمک می‌کند.

۴ - همیشه از جلو خودتان غذا بردارید و به غذایی که جلوی



دیگران است، دست نبرید.

۵ - پر خوری نکنید، قبل از این که کاملاً سیر شوید دست از غذا خوردن بردارید.

۶ - بعد از غذا، خدا را شکر کنید و «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بگویید.

۷ - به فکر تهی‌دستان و گرسنگان نیز باشید و به آنان کمک کنید.
غذا را با نام خدا شروع می‌کنیم و با شکر خدا پایان می‌دهیم.



پرسش و تمرین:

- ۱ - قبل از غذا چه باید کرد؟
- ۲ - غذا را با نام چه کسی شروع می‌کنید؟ چرا؟
- ۳ - آیا لقمه‌ها را کوچک برمی‌دارید؟ چه فایده‌ای دارد؟
- ۴ - بعد از غذا از چه کسی تشکر می‌کنید؟

این جمله‌ها را کامل کنید:

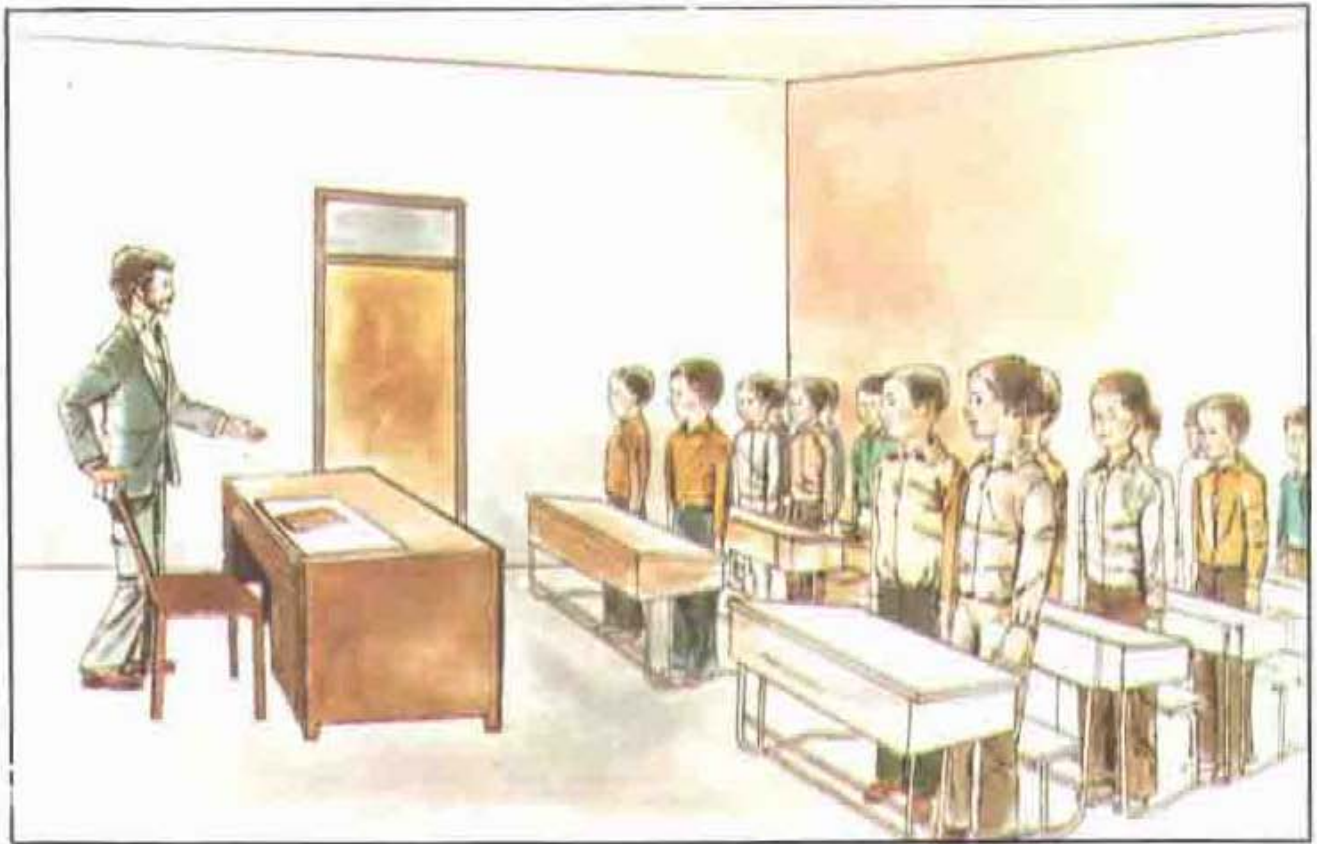
- ۱ - دین اسلام _____ را به ما آموخته است.
- ۲ - اگر درست به دستورهای خدا عمل کنیم _____ می‌شویم.
- ۳ - دین اسلام حتی _____ برای ما بیان کرده است.
- ۴ - تا سیر نشده‌اید _____ بکشید.
- ۵ - بعد از غذا _____ بگویید.

مقام معلم

پیامبر ما حضرت محمد می فرمود: من معلم مردم هستم و به آنان درس دینداری می دهم.

حضرت علی فرمود: برای پدر و معلم خود، به احترام از جای

برخیز.



امام چهارم، حضرت سجّاد فرمود: معلم بر شاگرد خود چندین حقّ

دارد:

اوّل: آن که شاگرد، معلم خود را بسیار احترام کند.

دوّم: به سخنانش خوب گوش دهد.

سوّم: هنگامی که معلم صحبت می کند نگاهش به طرف معلم باشد.

چهارم: حواشش را برای یاد گرفتن درس کاملاً جمع کند.
پنجم: از کلاس درسش قدردانی و تشکر نماید.
ما از این راهنماییها پیروی می‌کنیم. آموزگار خود را دوست داریم
و او را احترام می‌کنیم و می‌دانیم که او مانند پدر و مادر برگردن ما حق
زیادی دارد.

پرسشها:



- ۱ - خواندن و نوشتن را چه کسی به شما آموخت؟
- ۲ - چیزهایی را که نمی‌دانید چه کسانی به شما یاد می‌دهند؟
- ۳ - بزرگ‌ترین معلم انسانها چه کسانی هستند؟
- ۴ - امام اول ما درباره پدر و معلم، چه دستور می‌دهد؟
- ۵ - امام چهارم درباره حق معلم، چه فرموده است؟
- ۶ - هنگامی که معلم وارد کلاس می‌شود، چه باید کرد؟
- ۷ - در کلاس شما، چه کسی به دستوره‌های امام چهارم درباره معلم، خیلی خوب عمل می‌کند؟

* برای آموزگار خود نامه‌ای بنویسید و از او تشکر کنید.

یک دستور بهداشتی مهم

یک پزشک مسیحی، از حضرت امام صادق — علیه السلام —

پرسید:

آیا در کتاب دینی شما، قرآن، سخنی دربارهٔ بهداشت آمده است؟

آیا پیامبر شما دربارهٔ بهداشت، دستوری فرموده است؟

امام صادق فرمود: آری! در قرآن آمده است که: «بخورید و

بیاشامید اما زیاده روی نکنید» و پیامبر ما فرموده است: «از پر خوری

پرهیزید که ریشهٔ تمام بیماریهاست و کم خوردن و پرهیز کردن ریشهٔ هر

درمانی است.»

پزشک مسیحی برخاست و گفت: کتاب دینی شما چه دستورهای

خوب و کاملی دارد! پیامبر شما چه دستور کاملی دربارهٔ بهداشت فرموده


است!

خدا در قرآن می فرماید:

بخورید و بیاشامید اما زیاده روی نکنید.



- ۱ - پزشک مسیحی، از امام صادق چه پرسید؟
- ۲ - امام صادق در پاسخ چه فرمود؟
- ۳ - یک دستور بهداشتی را که در قرآن آمده است، بیان کنید.
- ۴ - دستور بهداشتی پیامبر را بگویید.
- ۵ - پرخوری چه نتیجه‌ای دارد؟
- ۶ - پزشک مسیحی بعد از فرمایش امام صادق، چه گفت؟
- ۷ - از راهنمایی حضرت امام صادق، چگونه پیروی می‌کنیم؟

این جمله‌ها را کامل کنید: 

- ۱ - در قرآن آمده است: _____ اما زیاده‌روی نکنید.
- ۲ - از پرخوری _____ که ریشهٔ تمام _____ است.
- ۳ - کم خوردن _____ است.
- ۴ - قرآن ما چه دستورهای _____ دارد.
- ۵ - پیامبر ما چه سخنان _____ فرموده است.

روز جدایی

آخر سال، وقتی که دانش‌آموزان کارنامه‌های خود را می‌گیرند،
 عده‌ای از بچه‌ها، خوشحال و خندانند، کارنامه خود را به دیگران نشان
 می‌دهند و همه به آنها تبریک و آفرین می‌گویند، این بچه‌ها کوشش
 کرده‌اند و قبول شده‌اند.

و بعضی از بچه‌ها، تا کارنامه خود را می‌گیرند ناراحت می‌شوند و
 سرشان را پایین می‌اندازند و با خود می‌گویند: ای کاش درس
 می‌خواندیم! ای کاش کوشش می‌کردیم! و ای کاش....

این بچه‌ها قبول نشده‌اند و از بچه‌های کوشا جدا می‌شوند!!
 در روز قیامت هم، عده‌ای خوشحال و خندانند و کارنامه خود را با



- ۱ - در روز قیامت، چه افرادی کارنامه خود را با دست راست می گیرند؟
- ۲ - چه افرادی کارنامه خود را با دست چپ می گیرند؟
- ۳ - این افراد، با خود، چه می گویند؟
- ۴ - چرا روز قیامت را روز جدایی می گویند؟

جمله های زیر را کامل کنیم:



- ۱ - نیکوکاران در روز قیامت خوشحال و _____ و به _____ می روند و در آن _____ با دوستان _____ زندگی می کنند.
- ۲ - ستمکاران در روز قیامت، ناراحت _____ و سرشان را _____ می اندازند و با خود می گویند:
ای کاش _____ ! ای کاش به _____

اینها به جهنم می روند و چیزی نمی بینند.

دست راست می گیرند، و به بهشت می روند و در آن باغهای پرمیوه و خرّم،
با دوستان خوب زندگی می کنند.

این بهشت زیبا پاداش خوبی و نیکوکاری آنهاست.
و بعضی از مردم، کارنامه خود را با دست چپ می گیرند، اینها
ناراحت و گریانند و سرشان را پایین می اندازند و با خود می گویند:
ای کاش در دنیا خوب بودیم!
ای کاش به کسی آزار نمی رساندیم!
و ای کاش.....

اینها به جهنم می روند و چیزی جز درد و آتش نمی بینند، این جهنم
سوزان، جزای بدی و ستمگری آنهاست.

روز قیامت روز جدایی است،
خوبها، از بدها و نیکوکاران، از ستمکاران جدا می شوند.

